اولین و یگانه روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

www.Madandaily.com

دوشنبه ● ۷ آذر ۱۴۰۱ ● ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۲۸ نوامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۶۹ ● ۸صفحه ● قیمت ۳۰۰۰ تومان



کمبودی به ابعاد چندین سال

گزارش‌های متعدد صفحه معدن روزنامه «روزگار معدن»، کارشناسان و فعالان این حوزه، به‌اتفاق مشکل تامین ماشین‌آلات را در صدر لیست چالش‌های این حوزه می‌دانند و می‌گویند هنوز اقدامات دولت در یک سال گذشته در زمینه تامین ماشین‌آلات به نتیجه مطلوب نرسیده است. گفته می‌شود در حال حاضر تنها در معادن کوچک‌مقیاس، حدود ۱۵۰۰۰ دستگاه ماشین‌آلات...

۸



مازوت سوختی که طبیعت را می‌سوزاند

نیمه دوم سال برای صنایع با دغدغه کمبود گاز آغاز می‌شود و تنها جایگزینی که در حال حاضر پیش‌پای تولیدکنندگان قرار دارد، مازوت‌سوزی است. مازوت نوعی نفت کوره است که کیفیت پایین و گرانروی (ویسکوزیته) بالایی دارد و در نیروگاه‌های حرارتی و موارد مشابه از آن استفاده می‌شود. اگر مازوت و سایر نفت‌های کوره به خاک یا آب‌های سطحی وارد شود، بخشی از آن تبخیر و بخشی....

۲

«روزگار معدن» بررسی کرد

«حمایت از تولید» با چه نسخه‌ای اجرا شود

دولت‌ها به دلایلی از جمله حفظ اشتغال، توسعه صنایع نوپا و حفظ صنایع مرتبط با امنیت ملی به اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان داخلی می‌پردازند. اجرای این سیاست‌ها در سال‌های نخست ممکن است سبب بروز مشکلاتی شود، اما اگر به‌صورت صحیح ادامه داشته باشد، چشم‌انداز مناسبی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور ایجاد می‌کند...

۴



گفت‌وگوی «روزگار معدن» با کارشناسان معدن درباره امنیت سرمایه‌گذاری

قوانین سرمایه‌گذاری معادن نیاز به بازنگری دارند

۳

سرمقاله

معدنکاری سالم



علی‌خان نصراصفهانی
استاد دانشگاه و فعال حوزه معدن

باوجود اهمیت بالای معدن و معدنکاری در اقتصاد ایران، بسیاری معتقدند حفظ محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و به‌طور خلاصه هر آنچه به‌عنوان سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی در اختیار بشر قرار دارد، اهمیت بسیار بالاتری نسبت به معدنکاری دارد.

ذات معدنکاری به‌شکلی است که باعث برهم‌خوردن محیط‌زیست و مرفولوژی طبیعی می‌شود و در بسیاری مواقع منظرهای طبیعی را مخدوش می‌کند.

برای اینکه بدون آسیب به طبیعت و داشته‌های طبیعی و فرهنگی کشور بتوانیم معدنکاری داشته باشیم، نیازمند فعالیت سالم هستیم.

معدنکاری سالم به این معنا است که برای انجام آن تمام تمهیدات زیست‌محیطی و مرفولوژی و حتی فضای ریخت‌شناسی در نظر گرفته و عملیات معدنکاری باتوجه به محدودیت‌ها و ضرورت‌های آن طراحی شود.

معادن می‌توانند خود به‌عنوان بانی و متولی حفظ منابع طبیعی، محیط‌زیست و حتی میراث فرهنگی کشورمان بشوند، چرا که در بخش‌هایی مانند نخلک یا بسیار از مناطق دیگر کشور، معادن، ارزش تاریخی و باستانی دارند و می‌توانند به یکی از جاذبه‌های تاریخی و باستانی تبدیل شوند و با عنوان ژئوتوریسم و زمین‌گردشگری به دنیا معرفی می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت‌ها



دیدگاه اقتصادمحور سپر بلای کشور

۳



قافیه را باخته‌ایم

۶



خصوصی‌سازی امنیت شغلی را کم کرد

۸

گفت‌وگوها



آموزش سرمایه‌گذاری است نه هزینه

۶



برگزاری نمایشگاه سنگ، با کیفیت‌تر از تمام دوره‌ها

۷

گزارش روز

دور باطل برمدار تعارض منافع

۵





سرمقاله

معدنکاری سالم

ادامه از صفحه اول

بنابراین باید آنها را حفظ کرد تا از جاذبه‌های گردشگری آن هم بهره‌مند شد و شرایطی ایجاد کرد که مردم دنیا و علاقه‌مندان بتوانند از مناطق معدنکاری تاریخی کشور ما که در تهران، کرمان، اصفهان، خراسان یا بسیاری از نواحی دیگر پراکنده‌اند، دیدن کنند.

ما افتخار می‌کنیم به فعالیت‌های معدنی که در گذشته داشته‌ایم و آثار باستانی چند هزار ساله‌ای که داریم که نشان می‌دهد در کشور ما برخلاف بسیاری از مناطق پیشرفته دنیا در هزاران سال پیش هم عملیات معدنکاری وجود داشته است که با عنوان معدنکاری شدادی از آن یاد می‌شود.

بنابراین ضمن احیای این مناطق، برای جلوگیری از آسیب رسیدن به این محدوده‌ها، باید از عملیات معدنکاری جدید در این مناطق جلوگیری شود.

در اصل، خود این مناطق جزو میراث فرهنگی ما و افتخار هر ایرانی به‌شمار می‌روند. اینکه نیاکان‌مان از گذشته‌های دور در زمینه‌های معدنکاری و صنعت، فعالیت‌های مثبتی داشته‌اند، قابل‌توجه است.

معدنکاری یک فعالیت تجاری است، بنابراین ارگان‌هایی مثل محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و گردشگری و متولیان این حوزه‌ها در استان‌ها باید نگران باشند و تمهیدات و پیش‌بینی‌های لازم را داشته باشند و در هماهنگی کامل با ادارات صنعت، معدن و تجارت استان‌ها مراقبت کنند که عملیات معدنکاری به داخل محدوده‌های حفاظت‌شده طبیعی و فرهنگی کشیده نشود.

معدنکار وقتی در ابتدای کار مجوز لازم را دریافت نکند، قاعدتا نمی‌تواند هیچ‌گونه فعالیت معدنی انجام دهد.

پس در بسیاری از موارد اشکال از معدنکاری نیست؛ اشکال در سازمان‌های متولی است که باید مطالعات علمی کافی داشته باشند تا بتوانند حوزه‌ها و محدوده‌های ممنوعه را معرفی کنند تا وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت براساس حوزه‌ها و محدوده‌های طبیعی، فرهنگی یا باستانی اجازه هیچ‌گونه فعالیت معدنکاری را صادر نکند.اگر به هر ترتیبی مجوزی صادر شود، مسئولیت قانونی برعهده معدنکار نیست.

من معتقدم سازمان‌های متولی باید محدوده‌هایی را هم که نیاز به مطالعه دارند، مانند محدوده‌های حفاظت‌شده اعلام کنند و حتی اگر معدنکاری در محدوده‌ای تاثیر مستقیم بر میراث طبیعی، فرهنگی یا تاریخی کشور نداشته باشد، باز باید کارشناسان و مسئولانی از سازمان‌های مربوطه مرتب به مناطق معدنکاری سرکشی کنند و از پروژه‌ها بازدید به‌عمل آورند، زیرا عملیات معدنکاری به‌واسطه جاده‌سازی، رفت و آمد ماشین‌آلات، جابه‌جایی باطله و امثال آن می‌تواند باعث به‌هم‌ریختگی و آسیب به محدوده شود.

براین‌اساس در بسیاری موارد نمی‌توان آسیب‌هایی را که به محیط‌زیست یا اماکن تاریخی و فرهنگی کشور وارد می‌شود، به گردن معدنکاری انداخت. به این منظور، باید از توان و دانش دانشگاه‌ها نیز بهره برد و با همکاری محیط‌های دانشگاهی و ان‌جی‌اوها برنامه‌ریزی درستی در این زمینه انجام شود. حتی در صورت نیاز باید از توان و تخصص محیط‌های دانشگاهی دیگر کشورها هم استفاده کرد و با همکاری مشترک، محدوده‌های پراهمیت شناسایی و حریم آنها مشخص شود.

این محدوده‌ها ثابت و تغییرناپذیر نیستند و مرتب باید مورد بازنگری قرار گیرند، زیرا قسمت‌هایی که به هر علتی یک دوره در محدوده حریم قرار نگرفته‌اند، شاید واجدظرفیت‌هایی باشند که در مرحله بازنگری شناخته شود.

البته در چنین شرایطی باید تمهیداتی اندیشید که ضرر و زیان فعالان اقتصاد و صنعت جبران شود، اما معدنکاری یا هر عملیات صنعتی دیگری باید در آن محدوده‌ها متوقف شود تا آسیب بیشتری به میراث طبیعی و فرهنگی کشور ما وارد نیاید.

گزارش «روزگار معدن» از آثار کمبود گاز معدنکاری

مازوت سوختی که طبیعت را می‌سوزاند

گیتا جاودانی

نیمه دوم سال برای صنایع با دغدغه کمبود گاز آغاز می‌شود و تنها جایگزینی که در حال حاضر پیش‌پای تولیدکنندگان قرار دارد، مازوت‌سوزی است.

مازوت نوعی نفت کوره است که کیفیت پایین و گرانروی (ویسکوزیته) بالایی دارد و در نیروگاه‌های حرارتی و موارد مشابه از آن استفاده می‌شود.

اگر مازوت و سایر نفت‌های کوره به خاک یا آب‌های سطحی وارد شود، بخشی از آن تبخیر و بخشی دیگر در آب و خاک حل می‌شود و تبعات زیست‌محیطی مخربی را به‌بار می‌آورد.

علاوه بر این، استفاده از مازوت در نیروگاه‌های حرارتی نزدیکی شهرها یکی از علل اصلی آلودگی هوا است.

بنابراین ادعا می‌شود نیروگاه‌های نزدیک به مراکز جمعیتی و کلانشهرها از مازوت استفاده نمی‌کنند، اما کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی دور از شهرها همچنان برای تامین نیاز انرژی دست به دامان مازوت می‌شوند.

در این گزارش، «روزگار معدن» به‌دنبال پاسخ این پرسش است که مازوت‌سوزی چه تاثیری بر محیط‌زیست و منابع طبیعی دارد؟



عکس: روزگار معدن

چه صنایعی به مازوت‌سوزی روی می‌آورند؟



تورج فتحی ـ معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست: مازوت‌سوزی آلاینده‌های جوی را افزایش می‌دهد. در زمستان که مصرف گاز در مناطق شهری به اوج می‌رسد، به‌طورمعمول تامین گاز صنایع دچار مشکل می‌شود، بنابراین واحدهای صنعتی که می‌توانند از این نوع سوخت استفاده کنند، باید در مجاورت شهرهای بزرگ یا مناطق مسکونی و جمعیتی نباشند. در این صورت، می‌توانند این سوخت را جایگزین کنند تا فشار ناشی از محدودیت‌های دسترسی به گاز شهری جبران شود.

▣ از ایده‌آل تا واقعیت

به‌طبع من به‌عنوان کارشناس محیط‌زیست نمی‌توانم با مصرف سوختی که آلایندگی بالایی دارد، موافق باشم، اما واقعیت این است که ما باید بتوانیم بین نیازهای مناطق شهری و جمعیتی و نیاز صنایع به گاز تعادل ایجاد کنیم. یکی راهکارهای سریع کاهش آثار زیانبار استفاده از مازوت این است که با تصفیه آلاینده‌ها از این سوخت، محصولی ایجاد شود که آلایندگی آن مثل بقیه سوخت‌های فسیلی در حد متعارف یا زیر استاندارد باشد. این بهترین و پایدارترین مسیری است که از نظر زیست‌محیطی توجیه‌پذیر خواهد بود. وقتی در شرایطی محدودیت‌کننده قرار داریم، هر سال در فصل سرما با بحران تامین گاز مواجه می‌شویم و هنوز نتوانسته‌ایم گاز شهری را به‌شکل مناسبی برای رفع نیاز تمام صنایع و مناطق جمعیتی تامین کنیم، بنابراین ناچار به انتخاب بین بد و بدتر هستیم.

▣ صنعت یا طبیعت

بین ۱۰ تا ۱۱ درصد از مناطق مختلف کشور به مناطق چهارگانه محیط‌زیست اختصاص یافته است. اگر صنایعی که مازوت‌سوزی می‌کنند، در مجاورت این مناطق باشند، احتمال زیادی وجود دارد که این سوخت حیات‌وحش را تحت‌تاثیر قرار دهد.

هنوز اطلاعات چندانی وجود ندارد که روشن کند آلاینده‌های جوی خطرناک چه تاثیری روی پوشش گیاهی و جانوری محدوده پیرامون خود دارد؟

شاید این موضوع در حد مطالعات دانشگاهی بررسی شده باشد، بنابراین اطلاعات مستند و قابل‌اتکایی که اثرات و خطرات را شناسایی کرده باشد، وجود ندارد تا از روی آن بتوان دریافت چه خطرات زیست‌محیطی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر به‌دلیل نبود مستندات نمی‌توان نظر قطعی داد.

▣ مستندسازی برعهده کیست؟

این قبیل موضوعات به عهده چند بخش گوناگون است؛ اول خود واحد صنعتی است که باید برای آگاهی از تاثیر آلاینده‌هایی که در منابع پذیرنده و اتمسفر منتشر می‌کند و بررسی اثرات آن تحقیقاتی انجام دهد و آثار سوء آن را شناسایی کند.

بنابراین لازم‌است واحدهای صنعتی پایش‌هایی را که برعهده دارند، تسری دهند تا بتوانند اثرات آلاینده‌های ایجادشده را روی گونه‌های گیاهی و جانوری مشخص کنند و براساس آن داده‌ها، برای جبران اثرات راهکارهایی پیش‌بینی شود.

۲ بخش دیگر هم در این مستندسازی مسئولیت مستقیم دارند. یکی سازمان حفاظت محیط‌زیست است که باید تاثیر فعالیت صنایع را، به‌ویژه در مناطقی که در مجاورت مناطق تحت مدیریت سازمان قرار دارند، بر جمعیت‌های حیات وحش یا گونه‌های گیاهی و جانوری مطالعه کند. در مرحله بعد، مراکز، پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌ها و سایر بخش‌های مطالعاتی هستند که می‌توانند با انجام تحقیق و پژوهش اثرات سوء آلودگی هوا بر محیط‌زیست را بررسی و اعلام کنند.

▣ تحقیقات و مطالعات عملی

اگر واحدهای آلاینده‌ای در مجاورت مناطق چهارگانه قرار گرفته باشند و احتمال ایجاد تاثیرات منفی دور از ذهن نباشد، واحدهای صنعتی باید با راهنمایی سازمان حفاظت محیط‌زیست تحقیقاتی در این زمینه انجام دهند. براساس قانون واحدهایی که آلاینده هستند یا ریسک بالایی در این زمینه دارند، مسئول هستند بخش کوچکی از هزینه‌های فروش یا سود خود را به فعالیت‌های زیست‌محیطی اختصاص دهند و فعالیت مطالعاتی و تحقیقاتی، می‌تواند بخشی از این اقدامات به‌شمار رود، برای مثال اثرات ناشی از آلاینده‌های جوی را روی گونه‌های جانوری یا گیاهی محدوده پیرامون خود بررسی کنند تا مشخص شود آلاینده‌های جوی ناشی از فلرها یا دودکش‌های واحد صنعتی، چه آثار منفی روی گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه دارد و این آثار از چه نوعی هستند و بعد شناسایی، به بررسی راهکارهای جبران این اثرات بپردازند. آنچه مسلم است، در حال حاضر گزینه‌ای جز مازوت‌سوزی در کارخانه‌ها وجود ندارد و باید بین بد و بدتر یک گزینه را انتخاب کنیم.

▣ تامین انرژی از منابع پاک

بهترین راهکار این است که تا جای ممکن برای تامین گاز موردنیاز تلاش کنیم. کشور ما ذخایر کافی برای تامین گاز جمعیت ۸۵ میلیونی کشور، در اختیار دارد، پس اولویت اول باید توسعه پالایشگاه‌های گاز باشد تا هم مصرف سوخت‌های فسیلی دیگری که آلایندگی بیشتری دارند و هم آلایندگی جوی به‌صورت قابل‌توجهی کاهش پیدا کند.

▣ تجمیع بودجه زیست‌محیطی صنایع

احداث یک پالایشگاه گاز به اعتبارات زیادی نیاز دارد و باید مبالغی بیش از ۸ میلیون دلار هزینه ارزی و چند ده میلیارد تومان هزینه ریالی تامین شود و این اصلا قابل‌مقایسه با یک برنامه مطالعاتی و تحقیقاتی برای بررسی اثرات سوخت مازوت روی حیات‌وحش یک منطقه نیست، اما اگر قرار باشد، با تجمیع هزینه زیست‌محیطی صنایع پالایشگاه راه‌اندازی کرد، باید در قدم اول قوانینی برای آن وضع شود. قانون هوای پاک نمی‌تواند همه این مسائل را تمام و کمال حل کند.

شاید لازم باشد ۲ وزارتخانه دست‌اندرکار، یعنی وزارت صمت و نفت در اقدامی مشترک و هماهنگ، یک لایحه در قالب یک یا ۲ ماده واحده ارائه دهند، به‌عنوان مثال، وزارت صمت بخشی از هزینه‌های تامین پالایشگاه‌های گاز را در مناطق ویژه صنعتی، شهرک‌ها یا سایر بخش‌های مصرف‌کننده سوخت‌های فسیلی، تامین کند و وزارت نفت هم در قالب شرکت ملی گاز، بخشی دیگر از هزینه را برعهده گیرد. باید این اقدام مشترک به‌صورت قانون در بیاید و به تصویب و تایید هیات دولت برسد و اگر نیاز است تایید مجلس را هم اخذ کند تا با هماهنگی در مناطق بزرگ صنعتی آلاینده، پالایشگاه‌های گاز ایجاد شود و به این ترتیب از استفاده سوخت‌های فسیلی و افزایش آلاینده‌ها جلوگیری کنیم، اما همان‌طور که گفته شد، اقدامی در این ابعاد، نیازمند قانون‌گذاری است.

به انرژی‌های پاک رو بیاوریم



علی خادم آستانه، سرپرست دفتر استعدادیابی و بهره‌برداری منابع طبیعی: بهترین راهکار برای کاهش مصرف سوخت مازوت این است که از انرژی‌های نو استفاده کنیم، زیرا کشور ما به‌طور کامل مستعد تولید انرژی پاک است.

از دهه ۷۰ طرحی در کشور به اجرا درآمد تا اتکای روستاییان به منابع طبیعی، درختان و پوشش گیاهی کمتر شود و آسیب کمتری به منابع طبیعی برسد. در این طرح، سوخت فسیلی جایگزین شده بود و تا چند سال پیش همکاران ما کپسول گاز را به روستاها می‌بردند، زیرا با اینکه سوخت فسیلی آلایندگی‌های خاص خود را دارد، اما باز هم اثرات سوء آن، از تخریب پوشش گیاهی و درختان کمتر است. در حال حاضر سوخت‌های فسیلی هم جایگاه خود را در این برنامه از دست داده‌اند و چندی است که سازمان منابع طبیعی، دستگاه‌ها و تجهیزات تولیدکننده سوخت‌های پاک را، خریداری و توزیع می‌کند و به این ترتیب تلاش شده تا درختی قطع نشود و پوشش گیاهی باقی بماند، خوشبختانه استقبال بسیار خوبی هم از اجرای این طرح شده است.

▣ طرح جایگزینی سوخت‌های مناسب

به‌عقیده من، رویکرد اصلی باید این باشد که به‌سوی جایگزین کردن سوخت‌های پاک حرکت کنیم. این روش که هر سال به‌محض رو به رو شدن با مشکل کمبود گاز به‌سراغ مازوت‌سوزی برویم، دیگر مناسب دنیای امروز نیست. حتی اگر در حال حاضر امکان تامین انرژی پاک برای صنایع و کارخانجات وجود ندارد، می‌توان با استفاده از دستگاه‌های کوچک و پنل‌هایی در ابعاد خانگی، انرژی لازم برای مصارف شهری و روستایی تامین و انرژی باد و خورشید را جایگزین کنیم و سوخت مصارف خانگی را برای تامین انرژی صنایع به‌کار ببریم و به مازوت‌سوزی احتیاج پیدا نکنیم.

▣ مدیریت روزآمد

این اقدام با مدیریت درست امکان‌پذیر است و می‌توان به‌شکلی عمل کرد که مصرف‌کنندگان خرد به مصرف سوخت‌های پاک سوق داده شوند، اما متاسفانه باوجود منابع سرشاری که برای تامین انرژی پاک در کشور داریم، باز هم اقدامات موثری برای استفاده از آنها انجام نداده‌ایم و سرعت حرکت ما برای استفاده از این انرژی‌ها بسیار پایین است.

سازمان منابع طبیعی در راستای برنامه‌های خود، تلاش می‌کند هر کاری که در توان دارد، انجام دهد تا میزان مصرف سوخت‌های آلاینده کمتر شود، به‌عنوان مثال، اگر جایی متقاضی دریافت عرصه و زمین برای راه‌اندازی نیروگاه‌های تولید برق خورشیدی باشد، بررسی تقاضای وی بلافاصله در اولویت قرار می‌گیرد و در مناطق بلامعارض جانمایی می‌شود، به این ترتیب، ما می‌توانیم در قالب قوانینی که داریم، عرصه‌ها را در اختیار متقاضیان قرار دهیم تا پنل‌های خورشیدی کار بگذارند و برق تولید کنند و آن را در اختیار شبکه برق سراسری قرار دهند.

▣ برنامه‌های در دست اقدام

به‌تازگی چند شرکت صنعتی و معدنی بزرگ برای این کار پیشقدم شده‌اند. یک نمونه، شرکت معدنی چادرملو است که تقاضای ایجاد عرصه‌ای در حدود ۲۰۰ هکتاری در یزد داده است تا پنل‌های خورشیدی نصب و برق موردنیاز خود را تامین کنند.

حتی معادن کوچک هم می‌توانند در این زمینه اقدام کنند و برای تولید برق روستاهای اطراف معدن یا حتی برق واحد خود، به ادارات منابع طبیعی استان‌ها مراجعه و عرصه و زمین مورد نیاز را در مناطقی که ممنوعیت قانونی ندارند، دریافت کنند و به‌سرعت نیروگاه خورشیدی خود را به‌بهره‌برداری برسانند.

سخن پایانی

با اینکه گفته می‌شود مازوت‌سوزی در مناطق دور از شهرهای بزرگ انجام می‌شود، اما براساس تجربیات سال‌های گذشته، نیروگاه‌های کلانشهرها از جمله تهران نیز در مواقعی برای جلوگیری از قطعی برق به استفاده از این ماده روی می‌آورند. از این‌رو، آلاینده‌های جوی روی مسیر صعود نشسته‌اند و سال به سال هوای شهرها آلوده‌تر می‌شود و شهروندان هم به این رویه عادت کرده‌اند، اما مناطق دورافتاده و روستایی هم از مصایب مازوت‌سوزی در امان نیستند، با این تفاوت که اثرات مخرب آن بر گونه‌های گیاهی و جانوری نادیده گرفته شده و هیچ تحقیق مستقلی برای روشن شدن آسیب‌های آن انجام نشده است.

البته براساس اظهارات کارشناسان، به‌نظر می‌آید با تجمیع مبالغی که صرف اقدامات خرد محیط‌زیستی می‌کنند و انجام اقدامی هماهنگ در جایگزینی سوخت‌های پاک، نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

گفت‌وگوی «روزگار معدن» با کارشناسان معدن درباره امنیت سرمایه‌گذاری

قوانین سرمایه‌گذاری معادن نیاز به بازنگری دارند



عکس: روزگار معدن

گیتا جاودانی

رشد و پویایی اقتصاد یک جامعه تابعی از سرمایه‌گذاری در آن است و سرمایه‌گذاری هم تابع میزان سود؛ بنابراین این حوزه یکی از حساس‌ترین متغیرهای اقتصادی به‌شمار می‌رود که به تحولات جزئی شاخص‌ها بلافاصله واکنش نشان می‌دهد. با این مقدمه روشن است که زمینه‌سازی برای جلب و جذب سرمایه فرآیندی بسیار پیچیده و چندوجهی است. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد امنیت یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها است و رابطه‌ای مستقیم با سرمایه‌گذاری دارد. «روزگار معدن» برای بررسی نقش امنیت در سرمایه‌گذاری حوزه معدن با حسام‌الدین فرهادی‌نسب و علی سلگی به گفت‌وگو نشست و نظر این دو کارشناس را درباره روش بهبود و ارتقای آن جویا شد.

اقتصاد قرارگاهی محکوم به فنا است



حسام‌الدین فرهادی نسب، مشاور کمیسیون معادن و اتاق بازرگانی اصفهان امنیت را کلیدی‌ترین شاخص در حوزه سرمایه‌گذاری معدنی می‌داند که شرایط و ضوابط آن باید موردبازنگری قرار گیرد و روزآمد شود اما باتوجه به ترکیب اعضای تیم بازنگری مجلس بعید می‌داند تغییراتی که به‌زودی اعمال خواهد شد، به نفع بخش معدن باشد.

● امنیت سرمایه‌گذاری چیست و با چه شاخص‌هایی تعریف می‌شود؟

سرمایه‌گذاری چه داخلی و چه خارجی نیازمند امنیت است و این مسئله رکن اصلی در هر نوع سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌رود و وجوه مختلفی دارد.

از امنیت سیاسی و اجتماعی گرفته تا ثبات قوانین و مقررات همگی در کنار هم می‌توانند بستری فراهم کنند که تضمین‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری است؛ یعنی اگر کسی بتواند پیش‌بینی کند که تا ۵ سال آینده چه اتفاقاتی پیش رو خواهد داشت، با اطمینان بیشتری در مسیر فعالیت اقتصادی خود پیش می‌رود و استراتژی لازم را برای سرمایه‌گذاری خود انتخاب می‌کند. در کشور ما آنقدر بی‌ثباتی و ناامنی سرمایه‌گذاری وجود دارد که طرح‌های معدنی که حداقل باید عمری هفت‌ساله داشته باشند، ظرف مدت ۲ یا ۳ سال از حیز انتفاع خارج می‌شوند، زیرا تمام مواردی که مبنای طرح بوده، از حقوق دولتی گرفته تا نرخ ماشین‌آلات، هزینه‌های تعمیر و نگهداری و امثال آن از اساس تغییر کرده است.

● در تامین امنیت داخلی و خارجی با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستیم؟

نکته اصلی سرمایه‌گذاری در معادن، وجود ثبات است که متاسفانه ما از آن محروم هستیم. به‌عنوان مثال در یک سال گذشته شاید بیش از ۳ یا ۴ دستورالعمل صادر شده که به‌طور میانگین عمری کمتر از ۲ ماه داشتند.

البته این از جهاتی حرکتی رو به جلو است، زیرا نشان می‌دهد مسئولان متوجه تصمیم اشتباه خود شده و از آن برگشته‌اند، اما به‌هر حال این تلاطم بسیار آسیب‌رسان است و آثار تخریبی زیادی در بخش معدن دارد.

● دولت چگونه باید آسیب‌ها را کنترل کند؟

اقتصاد از حساس‌ترین بخش‌های کشور است و کمترین میزان دستورپذیری را دارد. هر جا که با اقتصاد به‌شکل دستوری رفتار شده، آثار و تبعات منفی را شاهد بوده‌ایم.

مشکلات فعلی اقتصاد کشور قطعا حوزه معدن را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد و این تاثیرات یک‌شبه و یک‌هفته‌ای برطرف نمی‌شود و بعد از پایان امسال به‌تدریج خود را نشان خواهد داد. در حال حاضر از نزدیک شاهدم که بسیاری از فعالان حوزه معدن که هر یک حداقل ۱۰ نفر نیروی شاغل دارند، رسما اعلام می‌کنند بعد از عید معدن خود را بازگشایی نخواهند کرد.

از جمله علل این تصمیم فشاری است که افزایش حقوق دولتی، مالیات، عوارض و تعرفه‌های فروش، به معدنداران وارد می‌کند. اخیرا باز اداره راه به معدنداران تکلیف کرده در احداث جاده، دوربرگردان، نصب تابلو و امثال آن مشارکت کنند. خلاصه اینکه دولت در حال محول کردن همه وظایف حاکمیتی خود به معدنداران است، زیرا می‌داند که برای دریافت مجوز ناچارند این خواسته‌ها را برآورده کنند.

● چگونه می‌توان جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن را افزایش داد؟

مهم‌ترین پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری، امنیت و ثبات قوانین و تصمیمات است. تصور می‌کنم این مسئله در کشور ما با چالش بزرگی روبه‌رو است، زیرا مراجع تصمیم‌گیری متعددی در حوزه معدن وجود دارند. از شخص رئیس‌جمهوری گرفته تا معاونت برنامه‌ریزی و معاونت پژوهشی که جای ثابتی برای تصمیم‌گیری در بخش معدن دارند و زیرمجموعه معدنی دولت و مشاورانی که بیرون از مجموعه وزارتخانه هستند، همه و همه بر تصمیمات تاثیرگذارند؛ به‌عبارت دیگر از میزان کارگروه‌های معدنی که تشکیل شده، روشن است که همه خود را محق می‌دانند تا در این حوزه صاحب‌نظر باشند.

معاون اول کارگروه خاص خود را دارد و همین‌طور معاون اقتصادی و مرکز پژوهش‌های مجلس تا پایین‌ترین رده‌های تصمیم‌گیری.

این مجموعه‌ها امنیت سرمایه‌گذاری را نشانه گرفته‌اند. اخیرا هم که به‌واسطه حقوق دولتی هجمه‌ای جدید به بخش معدن وارد شده است.

رقم حقوق دولتی ۴۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده، در حالی که یک معدن کوچک‌مقیاس باید برای رسیدن به یک میلیارد تومان سود تلاش فراوانی به کار ببندد و شانس هم با آن یار باشد.

هیچ وقت به این موضوع توجه نشده که درآمدی که از بخش معدن انتظار می‌رود، از کجا و چگونه باید محقق شود. وقتی همه این موضوعات را کنار هم بگذاریم روشن می‌شود ثباتی که از آن دم می‌زنیم، وجود خارجی ندارد و باوجود شعارهای ریز و درشتی که مطرح می‌شود و تاکید بر افزایش سرمایه‌گذاری در بخش معدن، بین حرف و عمل فاصله زیادی وجود دارد.

● آیا قوانین موجود در زمینه سرمایه‌گذاری در حوزه معدن نیاز به تصحیح و بازنگری دارد؟

واقعیت این است که قانون معادن کشور ما زمانی قانونی پیشرفته بود، اما هر بار که مورد تصحیح و بازنگری قرار گرفت، متحجرانه‌تر شد و به مسیر تامین منافع و مقاصد افراد و گروه‌های خاص پیش رفت و باتوجه به ترکیب جدید مجلس بعید می‌دانم بازنگری جدید هم به نفع معدن باشد. البته دولت و مجلس موظفند براساس قانون بهبود فضای کسب‌وکار نظر مشورتی ما را، به‌عنوان بخش خصوصی و اتاق بازرگانی بگیرند، اما آنها کار خود را می‌کنند و نگاهی منطقه‌ای دارند و هر کسی بنا بر سلیقه خود هرطور که می‌خواهد رفتار می‌کند و به هیچ عنوان افکار عمومی و منافع ملی را در نظر نمی‌گیرد. تصور می‌کنم این شیوه نه‌تنها بخش معدن که کل کشور را آزار می‌دهد.

مسلما یا این فرمان که مجلس حرکت می‌کند و امتیازات خاص دولت به مجلس، اصلاح قانون معادن هم سرانجام خوبی برای بخش معدن نخواهد داشت، زیرا جهت‌گیری‌ها براساس اطلاعاتی است که خودشان هم از نادرستی آن آگاه هستند؛ با این حال بر همان اساس پیش می‌روند.

اصلی در ریاضی داریم که می‌گوید اگر صورت‌مسئله‌ای غلط باشد، تمام جواب‌ها درست است. در این مورد هم گویا قرار است از صورت‌مسئله غلط جواب درست در بیاید.

تمام تحلیل‌هایی که انجام می‌دهند براساس تصمیمات اشتباه است و مسلما دود آن به چشم ما خواهد رفت؛ بنابراین باوجود اینکه تلاش فراوانی به خرج می‌دهم، نمی‌توانم نگاه مثبتی به این روند داشته باشم.

● راهکار حل این مشکل چیست؟

به‌نظر من باید در حوزه اقتصاد، عقلانیت حاکم باشد. ما با شعار، اقدامات شتابزده و راه‌اندازی قرارگاه نمی‌توانیم اقتصاد را مدیریت کنیم.

ضمن احترامی که برای نیت افراد قائل هستم، باید بگویم یکی از اشتباهاتی که تا امروز در بسیاری از موارد تکرار شده، این است که برای بالا بردن سرعت در انجام کارها بلافاصله برای آن قرارگاه تشکیل می‌دهند، در حالی که تشکیل قرارگاه، تاکتیک جنگی است و هرگز، در هیچ جنگی کسی به جز فروشنده اسلحه برنده نیست. نباید نگاه جنگی به اقتصاد داشت. باید با دیدگاه برد-برد مسائل این حوزه را بررسی کرد و به همان میزان که برای خود انتظار سود داریم، سود طرف مقابل را هم در نظر بگیریم تا بتوانیم بستری امنی برای رشد اقتصاد ایجاد کنیم.

مسلما سیاست هر کشوری باید براساس منافع آن کشور تعریف شود؛ بنابراین نمی‌توان هیچ‌گاه دوست یا دشمن دائمی برای کشور در نظر گرفت و جهت‌گیری‌ها باید با توجه به این موضوع تغییر کند.

رسوب‌زدایی یا فعالیت موازی



علی سلگی، کارشناس معدن و دبیرکل انجمن سنگ ایران هم یکی از بزرگ‌ترین آفت‌های امنیت سرمایه‌گذاری را قوانین و مقررات دست‌وپا گیر می‌داند، اما با اشاره به تصمیمات اخیر معاونت معدنی ابراز امیدواری می‌کند با ادامه این روند بتوان در زمینه ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، موفقیت‌هایی را کسب کرد.

● امنیت سرمایه‌گذاری چیست و با چه شاخص‌هایی تعریف می‌شود؟

امنیت سرمایه‌گذاری مولفه‌ای چندجانبه است که باید به همه وجوه آن توجه شود؛ در غیر این صورت نمی‌توان انتظار داشت اشتیاق چندانی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی ایجاد شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت وقتی شخصی حقیقی یا حقوقی با اطمینان به حفظ سرمایه اولیه و امید به ارتقای آن بتواند فعالیتی اقتصادی را آغاز کند، به‌معنای آن است که سرمایه‌گذاری از امنیت لازم برخوردار است. بنا بر اهمیت این موضوع هر سال نرخ ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای گوناگون ازسوی نهادهایی مثل بانک جهانی تهیه و منتشر می‌شود تا فعالان اقتصادی بدانند سرمایه‌گذاری در هر کشوری چقدر قابل‌اعتماد و سودآور است.همان‌طور که گفته شد عوامل متعددی در کاهش یا افزایش نرخ ریسک سرمایه‌گذاری دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به امنیت ملی، قدرت اقتصادی، قوانین و مقررات حمایتی، سرمایه‌گذاری خارجی، سهولت تبادلات مالی و بانکی و امثال آن اشاره کرد.

● حوزه معدن برای تامین امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی با چه چالشی روبه‌رو است؟

سرمایه‌گذاری در حوزه معدن عمدتا به حمایت‌های دولتی، قوانین و مقررات درست، تسهیلات، کاهش عوارض گمرکی و تعرفه‌های واردات و صادرات، امکان خرید ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های جدید نیاز دارد.

کشور ما در زمینه تامین امنیت سرمایه‌گذاری معدنی، چه داخلی و چه خارجی، کارنامه درخشانی ندارد. سرمایه‌گذار در این حوزه با صدها مشکل اداری و قانونی، انواع معارضان، تعرفه‌های گمرکی و امثال آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و حمایت‌های دولتی هم بسیار ضعیف است؛ بنابراین در حوزه تامین سرمایه برای بخش معدن موفقیت چندانی به‌دست نیامده و در شرایط موجود و رسوب قوانین و مقررات قدیمی در وزارت صمت، چشم‌انداز روشن و درخشانی پیش رو نخواهد بود؛ مگر اینکه تحولات اساسی در زیرساخت‌های حمایت از سرمایه‌گذاری ایجاد شود و قوانین رسوب‌زدایی شوند که در آن صورت امید به تغییر ایجاد خواهد شد.

البته در حال حاضر تغییر و تحولات مثبتی در معاونت معدنی اتفاق افتاده است؛ از جمله صدور مجوز برای واردات ماشین‌آلات و حمایت از صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی که امیدواریم این روند ادامه داشته باشد تا بتوانیم در حوزه امنیت سرمایه‌گذاری چه در داخلی و چه خارجی موفقیت‌هایی را کسب کنیم.

● آیا قوانین در این زمینه جامعیت لازم را دارد؟

خیر؛ یکی از بزرگ‌ترین مسائل و مشکلات پیش روی معدنکار داخلی و خارجی همین قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، عدم جامعیت و در برخی موارد تضاد قوانین و مقررات است که موجب شده این عرصه جذابیت چندانی نداشته باشد و آنچه امروز در حوزه سرمایه‌گذاری دیده می‌شود، شاهدی بر نقایص قانونی در این زمینه است.

● باتوجه به مشکلات فعلی کشور آیا راهکار کوتاه‌مدتی برای ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری وجود دارد؟

در این زمینه راهکار کوتاه‌مدت نمی‌تواند چندان موفقیت‌آمیز باشد، زیرا سرمایه‌گذاری وجوه متفاوتی دارد و همه آنها از مالی و بانکی گرفته تا امنیت داخلی، نرخ ریسک، تسهیلات کسب‌وکار، تعرفه‌های گمرکی و موارد متعدد دیگر باید موردتوجه واقع شود؛ بنابراین به‌عقیده من راه‌حل مفید و جامعی در کوتاه‌مدت وجود ندارد.

● سیاست‌های بلندمدت کشور چگونه باید تعریف شود؟

در بلندمدت می‌توان امنیت سرمایه‌گذاری را ایجاد کرد؛ مشروط بر اینکه اراده کلی دستگاه‌های ذی‌ربط در این خصوص همراستا شود تا بتوان با جمع آنها موانع اصلی را کنار زد. مثلا وزارت اقتصاد در زمینه گمرکات، وزارت صمت در حوزه مجوزها و دیگر بخش‌های درگیر هر کدام به‌نوبه خود اقدامات مشترکی انجام دهند و سیاست‌های کلان در زمینه سرمایه‌گذاری به‌شکلی دقیق و هوشمندانه تدوین شود تا هر نهاد تکالیف خود را بداند و در مسیر تسهیل کسب‌وکار سازماندهی شوند و حرکت کنند؛ در غیر این صورت حتی اگر شاهد بهبود بخشی در وزارتخانه‌ها باشیم، نمی‌توانیم همه ابعاد سرمایه‌گذاری را بهبود دهیم. راه دیگر این است که امور مربوط به سرمایه‌گذاری به نهادی موازی واگذار شود تا آن نهاد بتواند با سیاست‌گذاری جدید مشکلات این حوزه را برطرف کند، چراکه ساختار موجود بسیار نفوذناپذیر است و به همین جهت به‌سختی می‌توان در این بستر فعالیت کرد.

یادداشت

دیدگاه اقتصادمحور سپر بلای کشور



سعید عسگرزاده
دبیر انجمن سنگ آهن ایران

کشورهای خارجی وقتی می‌توانند در برابر ما سیاست‌های خلق‌الساعه‌ای اتخاذ کنند که تصمیمات و جهت‌گیری‌های آنها هزینه اقتصادی برای‌شان نداشته باشد؛ بنابراین مهم‌ترین رویکرد سیاست خارجی کشور باید اقتصادمحور باشد. البته باید گفت اگر این رویکرد علاوه بر سیاست خارجی، در سیاست کلان کشور هم حاکم شود، راهی مطمئن برای غلبه بر بسیاری از مشکلات داخلی و خارجی کشور خواهد گشود.

به‌عنوان مثال اگر رویکرد اقتصادمحور را در برنامه‌ریزی‌های کلان خود مد نظر داشته باشیم، می‌توانیم به‌سادگی دستورات سلیقه‌ای را از اقتصاد حذف کنیم یا تاثیر سیاست بر اقتصاد را به حداقل برسانیم و پیوند میان فعالان اقتصادی با همتایان‌شان در سایر کشورها را به‌گونه‌ای برقرار کنیم که هیچ کشور متخاصمی نتواند دوباره شرایط کشور ما را به‌سادگی تحت تاثیر قرار دهد؛ به‌عبارت دیگر اگر این تعامل شکل بگیرد و پیوندها محکم شود، دیگر آنها نخواهند توانست به‌راحتی با وضع قواعد و بخشنامه‌های سیاسی فعالیت اقتصادی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهند.

این استراتژی سال‌ها است که جای خود را در سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها باز کرده و آنها بدون نظرخواهی و جلب رضایت فعالان اقتصادی کشور خود نمی‌توانند هیچ تصمیمی در حوزه سیاست بگیرند.

اگر ما هم پیش از خروج ترامپ از برجام و وضع تحریم‌های جدید برای ایران همین روش را اتخاذ کرده بودیم، تحریم‌ها نمی‌توانست آسیبی جدی به اقتصاد کشور وارد کند.

اما در حال حاضر باید گسترش روابط اقتصادی با همسایگان را در اولویت قرار دهیم، چراکه یکپارچگی حاصل از درهم آمیختگی اقتصاد، مجال اتخاذ تصمیم‌های تند سیاسی را به دشمنان کشور نخواهد داد. به‌عبارت دیگر اگر فعالان اقتصادی ما بتوانند با همتایان خود در دیگر کشورها، مخصوصا کشورهای مهم همسایه، ارتباط مفید و موثری داشته باشند، شرایط برای اقدامات مخرب سخت‌تر و به این ترتیب رویکرد اقتصادمحور، سپر بلای کشور می‌شود و توانایی خود را آشکار می‌کند.

اگر بخواهیم با رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی گام برداریم، باید در دو مسیر حرکت کنیم؛ از یک طرف به‌صورت کاملا جدی موضوع معدنکاری فراسرزمینی را پیگیری کنیم و از طرف دیگر با ایجاد فضایی امن برای کسب‌وکار به‌صورت کاملا جدی روی جذب سرمایه‌گذار خارجی متمرکز شویم. جذب سرمایه که اتفاقا جزو سرفصل‌های برنامه هفتم توسعه هم به‌شمار می‌رود یکی از کلیدی‌ترین مواردی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. خوشبختانه سرمایه‌گذاری در حوزه معدن در کشور ما جذابیت‌های زیادی دارد؛ بنابراین باید سیاست‌گذاران تلاش کنند تا راه جذب سرمایه‌ها هموار شود و مشوق آنها برای ورود به حوزه آمایش معدنی سرزمین و همین طور راه‌اندازی، توسعه و بهبود شرایط بهره‌وری معادن و صنایع معدنی باشد. ما تجربه کم و محدودی در بحث آمایش معدنی سرزمین داریم؛ بنابراین اگر کشورهای مختلف در بخش آمایش معدنی سرزمین ورود کنند، مهم‌ترین اتفاقی که می‌افتد این است که به ما در کسب تجربه کمک می‌کنند.

البته در حال حاضر سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور کارهای بسیار خوبی انجام می‌دهد، اما با آنچه که در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود فاصله دارد. در اکتشاف چندین لایه گوناگون زمین‌شناسی وجود دارد که هر یک از آنها می‌تواند اطلاعات مختلفی در اختیار ما قرار دهد و از انطباق آنها با یکدیگر آنچه که آنومالی یا نقاط امیدبخش نام دارد، استخراج و مشخص شود. هر قدر این کار جدی‌تر و دقیق‌تر انجام شود، از منابع خدادادی سرزمین‌مان، اطلاعات بیشتری خواهیم داشت.

اگر در رویکرد اقتصادمحور، از یک سو معدنکاری فراسرزمینی را، به‌ویژه در کشورهای همسایه جدی بگیریم و از سوی دیگر با ترغیب سرمایه‌گذاران کشورهای دیگر آمایش سرزمین را به سرانجام مطلوب برسانیم، با داده‌های حاصل می‌توانیم شانس موفقیت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بعدی را بسیار بالا ببریم.

آنچه باید در آمایش سرزمین اتفاق بیفتد در واقع جارو کردن سرزمین و یافتن اطلاعات دقیق و مزیت‌های نسبی موجود در همه نقاط کشور پهناورمان است که این کار تاکنون انجام نشده و به‌نظر می‌رسد اگر با روش‌های جدید و روزآمد شرکت‌های پیشرو این فرآیند را تکمیل کنیم، امنیت اقتصادی حاصل از آن، امنیت سیاسی کشورمان را هم تضمین می‌کند و به ایجاد ارتباطی عمیق و تنگاتنگ بین ایران و سایر کشورها می‌انجامد.

گزارش خبری

پیشرفت مسیر انتقال آب از دریای عمان

شرکت تأمین آب صنایع و معادن (ایمواسکو) با حمایت وزارت صنعت معدن و تجارت در کنار مشارکت بخش خصوصی، در سال ۱۳۹۹ با هدف تأمین آب مورد نیاز صنایع و معادن استان‌های فلات شرقی کشور با سرمایه ثبتی معادل ۱۵ هزار میلیارد ریال تاسیس شده است و رسالت اجرای خط چهارم طرح ملی انتقال آب از دریای عمان به استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی را برعهده دارد.

مدیرعامل شرکت تامین آب صنایع و معادن گفت: ۲ قطعه از مسیر انتقال آب از دریای عمان به سمت استان خراسان رضوی یکی از تربت حیدریه تا مشهد به طول ۱۲۳ کیلومتر و دیگری از قاین به سمت سنگان به طول ۱۴۰ کیلومتر در محدوده استان خراسان رضوی آماده لوله‌گذاری شده است.

محمدحسن اسدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا افزود: از مجموع هزارو ۷۹۰ کیلومتر خط لوله انتقال آب این طرح، ۴۵۰ کیلومتر آن به انشعاب‌های این مسیر اختصاص دارد.

وی ادامه داد: ورق لازم برای لوله‌گذاری مسیر انتقال آب دریای عمان به سمت خراسان رضوی از سمت قاین واقع در استان خراسان جنوبی به سمت سنگان واقع در استان خراسان رضوی به صورت کامل خریداری شده است.

مدیرعامل شرکت تامین آب صنایع و معادن گفت: در گذشته قرار بود مبدا آبگیری این طرح از خلیج‌فارس به سمت شرق کشور باشد که بسته بودن محیط آبگیری و آسیب‌های زیست‌محیطی در خلیج‌فارس مطرح شد ولی با تدبیر معاون اول رئیس‌جمهور، مقرر شد تا پس از تامین آب استان سیستان و بلوچستان و افزایش ظرفیت آب نمک‌زدایی شده به میزان ۴۰۰میلیون مترمکعب آب در سال اقدامات لازم برای رساندن آب شیرین به خراسان جنوبی و همچنین شهر مشهد هدف‌گذاری و نهایی شود.

اسدی افزود: دریای عمان دارای شرایط متفاوتی نسبت به خلیج‌فارس است و هیچ معضل محیط‌زیستی ندارد از این‌رو مجوز محل آبگیری آن نیز نهایی شده است.

راهکارهای مختلف برای تامین آب صنایع

استاندار فارس گفت: به منظور تامین آب مورد نیاز صنایع استان، راهکارهای مختلفی از سوی قرارگاه عملیاتی و شورای راهبردی آب استان در دست اقدام و اجرا است.

محمد هادی ایمانیه دوشنبه در گفت‌وگوی اختصاصی با ایرنا افزود: انتقال آب خلیج‌فارس و استفاده از پساب فاضلاب شهرهای بزرگ از مهم‌ترین اقدامات و راهکارهایی است که برای این منظور در دستورکار قرار دارد.

وی ادامه داد: در بحث انتقال آب خلیج‌فارس به استان، از طریق خط پنجم کشور که مصوب معاون اول رئیس‌جمهوری است، کار آبرسانی به شمال استان با مشارکت وزارت نفت، ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و سرمایه‌گذار درحال انجام است.

او اظهار کرد: این خط که تاکنون ۳۰ کیلومتر از لوله‌گذاری آن انجام شده، از خلیج‌فارس آغاز می‌شود و از شهرستان‌های مُهر، لامرد، خنج، فیروزآباد، کوار، شیراز و مرودشت عبور خواهد کرد و تا شمال استان و فولاد مبارکه اصفهان ادامه خواهد یافت. استاندار فارس اضافه کرد: ۲ خط دیگر که شرق استان و غرب استان را پوشش خواهد داد نیز در تفاهمنامه‌ای که با قرارگاه خاتم داشته‌ایم گنجانده شده و بنا است از محل تهاتر نفت اجرا شود. ایمانیه گفت: اخیرا با موافقتی که گرفته‌ایم بنا است که یک آنتنی از خط انتقال آبی که به سمت معادن گلگهر استان کرمان رفته برای انتقال به شهرستان‌های شرق استان به ویژه بخنگان و نی‌ریز گرفته شود.

انعقاد ۸ تفاهمنامه

وی، در خصوص اقدامات انجام شده در جهت استفاده از پساب فاضلاب شهرهای بزرگ هم اظهار کرد: به منظور تامین آب صنایع شهرهای بزرگ با استفاده از پساب فاضلاب همان شهر، تاکنون ۸ تفاهمنامه منعقد شده که از جمله می‌توان به تفاهمنامه بین پتروشیمی مرودشت و آبفای استان برای تامین آب مورد نیاز پتروشیمی از پساب شهر مرودشت به جای آب سد درودزن اشاره کرد. او گفت: مشابه همین کار را برای فولاد اقلید، فولاد نی‌ریز، آلومینیوم لامرد و کربنات سدیم فیروآباد هم انجام دادیم و در مجموع ۳۰تفاهمنامه در همین راستا خواهیم داشت.

حمایت از توسعه آبخیزداری در استان

استاندار فارس، با اشاره به اقدامات انجام شده در جهت توسعه آبخیزداری در این استان بیان کرد: نهضت توسعه آبخیزداری با استفاده از وام‌های بانکی و تسهیلات تبصره ۱۸ اقدامی است که امسال در سطح وسیعی در استان آغاز خواهد شد. ایمانیه افزود: امیدواریم با اجرای طرح انتقال آب خلیج‌فارس، استفاده از پساب فاضلاب، اجرای طرح آبخیزداری و همچنین اصلاح الگوی کشت، اصلاح بذر و توسعه کشت گلخانه‌ای، مصرف آب استان را بتوانیم تا ۵۰درصد کاهش دهیم و در زمینه آب، آینده بهتری را برای استان بتوانیم تصور کنیم.

«روزگار معدن» بررسی کرد

«حمایت از تولید» با چه نسخه‌ای اجرا شود

کتایون ملکی



عکس: آیدا فریدی

دولت‌ها به دلایلی از جمله حفظ اشتغال، توسعه صنایع نوپا و حفظ صنایع مرتبط با امنیت ملی به اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان داخلی می‌پردازند.

به‌گزارش «روزگار معدن»، اجرای این سیاست‌ها در سال‌های نخست ممکن است سبب بروز مشکلاتی شود، اما اگر به‌صورت صحیح ادامه داشته باشد، چشم‌انداز مناسبی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور ایجاد می‌کند.

از سویی دیگر، حمایت نادرست از تولید داخلی نه‌تنها منجر به دستیابی به اهداف مقرر نمی‌شود، بلکه سبب ایجاد فضای نامناسب برای رقابت و کاهش کمیت و کیفیت تولیدات شده و مصرف‌کنندگان مجبور خواهند شد، تولیدات بی‌کیفیت را با نرخ بالاتر از مقدار رقابتی خریداری کنند.

ضرورت حمایت از تولید

گزارش کمیسیون معادن و صنایع معدنی خانه صنعت، معدن و تجارت ایران تاکید می‌کند، موضوع حمایت از تولید به‌ویژه برای تولیداتی که به‌عنوان ورودی در بخش‌های صنعتی ـ معدنی مورداستفاده قرار می‌گیرند (مانند ماشین‌آلات معدنی و مواد اولیه) باعث بروز مشکلات بیشتری می‌شود، زیرا منجر به بهره‌وری پایین، کاهش کیفیت و افزایش نرخ تمام‌شده این صنایع و جلوگیری از رقابت‌پذیری محصول نهایی در فضای بین‌المللی می‌شود و حمایت‌های نامناسب، در عمل علاقه تولیدکنندگان به استفاده از مزایای تحقیق و توسعه را نابود می‌سازد.

همان‌طور که اشاره شد، می‌توان این موضوع را در بحث ماشین‌آلات معدنی به‌خوبی مشاهده کرد.

پیروی از اصول و قواعد مشخص

در این میان، تجربه کشورهای موفق نشان داده است که سیاست‌های دولتی باید به‌مثابه یک مرکز شتاب‌دهنده برای حمایت از کسب‌وکارها از اصول و قواعد مشخصی پیروی کند.

به‌صورت خلاصه این اصول شامل استفاده از دانش و دانش‌بنیان کردن تولید، توجه به حمایت‌های نرم و سخت به‌جای اعمال تعرفه یا ممنوعیت واردات، توجه به مزیت نسبی کسب‌وکارها و اعمال محدودیت زمانی برای حمایت از تولید داخلی هستند.

براساس شعار سال که توسط رهبر معظم انقلاب پیشنهاد شد، حمایت از تولیدکنندگانی باید در دستور کار قرار گیرد که از دانش برای تولیدات خود استفاده می‌کنند. حمایت‌ها باید به ۲ صورت نرم و سخت به‌صورت همزمان اجرا شوند. حمایت‌های سخت شامل مواردی مانند اعطای یارانه و حمایت‌های نرم شامل گسترش بازار و حمایت از صادرات است.

تنها اعمال تعرفه کافی نیست

اعمال تعرفه به‌تنهایی منجر به حمایت از تولیدکنندگان نمی‌شود، حتی درباره برخی اقلام ضروری، ممکن است اعمال تعرفه سبب اختلال در تولیدات سایر بخش‌های صنعتی و معدنی شود. توجه به مزیت نسبی کسب‌وکارها نیز مهم است. همان‌طور که شتاب‌دهنده‌ها از هر نوع کسب‌وکاری حمایت نمی‌کنند، سیاست‌های حمایتی نیز نباید برای حمایت از هر تولیدکنندهای اجرا شود.

این موضوع در کشور ما کمتر موردتوجه قرار گرفته است و گاهی سعی بر این بوده که از تمامی تولیدکنندگان داخلی با روش‌های نامناسب حمایت شود. تجربه فعلی به‌ویژه در حوزه خودرو نشان داده، این سیاست با شکست مواجه شده است و نمی‌توان نسخه حمایت از خودروسازی را در دیگر بخش‌ها به‌کار برد، اما انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشت. در نهایت، زمان حمایت از تولیدکنندگان باید محدود باشد تا برنامه‌ریزی صحیحی به‌منظور دستیابی به اهداف اشاره‌شده انجام دهند.

حمایت نامحدود نباشد

اگر حمایت از تولید داخلی به‌صورت نامحدود باشد، سبب می‌شود تولیدکننده تنها به بازار داخلی اکتفا کند و معیارهای اساسی تولید از جمله استفاده از دانش برای افزایش بهره‌وری، کیفیت و کاهش نرخ را فراموش کند، بنابراین توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی در بازارهای جهانی را نیز ندارد.

در نتیجه، این موضوع یا سبب ورشکستگی آنها خواهد شد یا سبب ایجاد انحصار در بازار داخل توسط آنها و فشار مستمر به مصرف‌کنندگان و کاهش سطح رفاه جامعه می‌شود، بدین‌معنا که مصرف‌کنندگان داخلی مجبور هستند کالای بی‌کیفیت و با نرخ بالا را خریداری کنند.

به‌عنوان مثال، بازه زمانی بین ۳ تا ۵ سال برای تولیدکنندگان آن هم به‌شکل پله‌ای پیشنهاد می‌شود تا بتوانند از این حمایت‌ها برای ارتقای کمی و کیفی محصولات خود استفاده کنند. معیار سنجش توانایی تولیدکنندگان، براساس تجربه کشورهای موفق، رقابت در بازارهای جهانی است. بنابراین پس از این مدت، لغو تعرفه واردات نمی‌تواند مشکلی برای تولیدکننده به‌وجود آورد، زیرا این شرکت محصول باکیفیت و نرخ مناسب در بازار داخل و خارج از کشور عرضه می‌کند.

اگر در این بازه، تولیدکننده نتواند به اهداف گفته‌شده دست یابد، پیشنهاد می‌شود جریمه‌های تنبیهی برای او در نظر گرفته شود، زیرا طی بازه ۳ الی ۵ساله، که پیشنهاد شد، وقت و هزینه هنگفتی از دولت و مردم برای حمایت از ایشان صرف شده است که باید به‌صورتی جبران شود.

شرط و شروط حمایت

حمایت از تولید داخلی همواره به‌عنوان یکی از مباحث چالش‌برانگیز در سیاست‌گذاری اقتصادی هر کشوری به‌شمار می‌رود. دولت‌ها به دلایلی از جمله حفظ اشتغال، توسعه صنایع نوپا و حفظ صنایع مرتبط با امنیت ملی به اتخاذ سیاست‌های حمایتی که یکی از مهم‌ترین آنها ایجاد تعرفه‌های گمرکی است، می‌پردازند. این موضوع سابقه‌ای چند صد ساله دارد و محدود به کشور خاصی نیست. هر کشوری برای پیشرفت و توسعه صنایع خود در مقطعی به این کار اقدام کرده است،اما آنچه مشخص است، سیاست‌ها و برنامه‌های منظمی برای آن نیز داشته است. انتخاب صحیح سیاست حمایت از تولید داخلی بسیار پیچیده است، چون این سیاست‌ها به‌طورمعمول موجب افزایش قیمت‌ها و هزینه‌ها در اقتصاد و در مقطعی ممکن است، منجر به کاهش رفاه می‌شود.

شاید بتوان اقدام جدی برای حمایت از تولید داخلی را از قرن شانزدهم به‌حساب آورد. در طول سالیان پس از آن تا قرن هجدهم، مکتبی با عنوان سوداگرایی به‌وجود آمد. پیروان این مکتب اعتقاد داشتند، باید صادرات کشور حداکثر و واردات حداقل شود. این روش منجر به بروز جنگ‌ها و گسترش استعمار شد. در قرن هجدهم، آدام اسمیت با انتقاد از روش سوداگراها، نظریه خود در زمینه تقسیم کار در سطح بین‌الملل را مطرح کرد که در نتیجه آن سطح تولید در تمام دنیا افزایش یافت. در قرن بیستم، این نظریه به ایجاد سازمان تجارت جهانی، با هدف از میان برداشتن تعرفه‌ها و دخالت نداشتن دولت‌ها در تجارت و رفع موانع تجارت خارجی میان کشورها، منجر شد.

باوجود آن، این بحث همچنان در بین اقتصاددانان مطرح است که کشورها بدون اتخاذ سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی نمی‌توانند مسیر صنعتی شدن را طی کنند.

این موضوع باتوجه به بیشتر شدن چالش‌های سیاسی میان کشورها، پیچیده‌تر شدن فضای اقتصادی و متغیرهای تاثیرگذار بر رشد اقتصادی پررنگ‌تر شده است.

راهبرد جایگزینی واردات

به‌صورت ساده، حمایت از صنایع داخلی با ۲ راهبرد جایگزینی واردات و رشد صادرات امکان‌پذیر است. راهبرد جایگزینی واردات، سیاستی است که در آن، تولیدات داخلی جایگزین واردات می‌شوند. راهبرد رشد صادرات مبتنی بر اصل مزیت رقابتی است و در آن سعی می‌شود تولیدکنندگان هرچه بیشتر در بازارهای جهانی حضور داشته باشند. مشاهده سیاست‌های کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که امروزه راهبرد رشد صادرات مبنای سیاست‌گذاری در این کشورها است، زیرا که برمبنای این راهبرد است که کشور می‌تواند به سطح بالایی از درآمد محصولات صادراتی در سطح جهانی دست پیدا کند، رفاه جامعه بیشتر شود و کیفیت محصولات افزایش یابد.

سیاست جایگزینی واردات حتی در بهترین شرایط نیز به‌علت محدودیت کشورها در تامین مواد اولیه و برخورداری از فناوری‌های مورد نیاز، برای هیچ کشوری به‌طورکامل امکان اجرایی شدن را ندارد.

داشتن واردات برای هر کشوری به‌مثابه ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تاثیرگذاری بر دیگر کشورها و افزایش سطح رفاه در داخل است، همچنان که کشورهای توسعه‌یافته صدها میلیارد دلار در سال واردات دارند، بنابراین داشتن واردات را نمی‌توان برای هیچ کشوری نقطه ضعف نامید.

آنچه باعث ایجاد ضعف در اقتصاد یک کشور می‌شود، نوع کالاهای وارداتی و صادراتی و منفی یا مثبت بودن تراز تجاری کشورها است، بنابراین تنها توجه به واردات کالا، نباید ملاکی برای در پیش گرفتن حمایت از تولید داخلی شود.

ابتدا باید اهداف و دلایل در این‌باره مشخص و روشن، سپس تجربیات سایر کشورها بررسی شود، زیرا استفاده از تجربیات سایر کشورها می‌تواند به‌مثابه نقشه‌راهی برای انجام این کار باشد.

در انتها نیز، براساس اصولی که ناشی از دلایل انجام این کار و تجربیات سایر کشورها است، باید تدوین و اجرا شود.

به‌طبع صادرات کالا و خدمات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و بی‌نیازی از واردات در محصولاتی که اهمیت استراتژیک برای امنیت ملی یک کشور دارند، همراه با تراز تجاری مثبت، جزو نقاط قوت اقتصادی بسیار مهم هر کشوری خواهد بود، اما مسیر رسیدن به چنین نقطه‌ای برای کشورهای در حال توسعه به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. آماده‌سازی تولیدکنندگان این کشورها برای رقابت با شرکت‌های مطرح بین‌المللی به‌طورقطع ماموریت ساده‌ای نخواهد بود.

استفاده هوشمندانه از سیاست جایگزینی

شاید استفاده هوشمندانه از سیاست جایگزینی واردات با هدف توسعه صادرات یکی از راه‌حل‌های این مسئله باشد، اگرچه انواع حمایت از صنایع و تولیدات در دهه‌های گذشته معمول و مرسوم بوده ، حمایت از تولید داخلی مسئله چالش‌برانگیزی است که اشکال مختلفی به خود می‌گیرد.

باوجود اینکه این حمایت از تولیدات داخل کشور و جلوگیری از واردات کالاهای مصرفی برای بخش‌هایی از جامعه پذیرفتنی و معقول است، اما آن‌طور که در ظاهر ساده به‌نظر می‌رسد، اجرای آن با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو است.

سخن پایانی

رویکرد حمایت‌گرایی از تولید نیز ابعاد پیچیده‌ای دارد و نیازمند تحلیل علمی و بررسی اصول حاکم بر آن است. برای دستیابی به این هدف بزرگ، لازم است سیاست‌های حاکم بر فضای کسب‌وکار کشور مانند یک شتاب‌دهنده عمل تا تولیدکنندگان داخلی را برای ورود به بازارهای جهانی آماده کند. همان‌طور که هر مرکز شتاب‌دهی برای حمایت از کسب‌وکارها از اصول و قواعد خاصی پیروی می‌کند، این موضوع نیز باید در مقیاس کلان برای سیاست‌گذاران رعایت شود.



نگاهی به کشمکش‌های ذی‌نفعان در حوزه معدن

دور باطل بر مدار تعارض منافع

گروه معدن

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های موثر بر توسعه اقتصادی کشور معدن است که می‌تواند موجب جذب سرمایه، درآمدزایی، اشتغال و ارزآوری شود. بر اساس اعلام مراجع رسمی و اکتشافات و مطالعات انجام‌شده، ایران روی کمربند مس، طلا، سنگ‌آهن، سرب، روی و مرمریت دنیا قرارگرفته است، به‌طوری‌که برخی از کارشناسان، ایران را بیشتر کشوری معدنی معرفی می‌کنند تا نفت‌خیز. بااین‌همه کمتر از نیم درصد از کل ذخایر مکشوفه معدنی کشور، به بهره‌برداری رسیده است. این روزها و هم‌زمان با انتشار اخبار برگزاری مزایده‌های معدنی در مناطق گوناگون کشور که می‌تواند خبر مسرت‌بخشی برای حوزه معدن کشور باشد، بازار اظهارنظرهای مخالف هم داغ شده است. این مخالفت‌ها معمولا از سوی فعالان و کارشناسان محیط‌زیست و منابع طبیعی مطرح می‌شود که نسبت به تبعات مخرب این واگذاری‌ها بر طبیعت هشدار می‌دهند. این نمونه‌ای واضح از دور باطلی است که در حوزه معدن طی می‌شود که حاصل آن گاهی چیزی جز سلسله‌ای از کارشکنی‌های ریزودرشت، مقاومت‌ها و مخالفت‌ها نیست. شرایطی که به گفته کارشناسان این عملکرد در بسیاری از موارد به وضعیتی می‌انجامد که تنها ناشی از تعارض منافع است.

تعارض منافع، مانع توسعه معدن



علی امرایی فعال صنعت فولاد با گلایه از کارشکنی‌های حاصل از تعارض منافع گفت: بخش زیادی از معادن کشور به علت تضاد منافع گروه‌ها و افراد دست‌نخورده مانده است. وی در گفت‌وگو با فولادبان گفت: همین شرایط موجب ایجاد بحران تأمین مواد اولیه در صنعت فولاد شده است.

وی با اشاره به اینکه درحال‌حاضر مهم‌ترین معضل صنعت فولاد اکتشاف و استخراج صنایع معدنی ازجمله سنگ‌آهن و دیگر صنایع گفت: این صنعت حتی در صورت تامین برق و گاز مصرفی نیاز به دانش روزآمد و همگام با تکنولوژی نسل چهارم دارد تا توسعه زیرساختی ایجاد شود.

وی ادامه داد: علاوه بر معضل اکتشاف، توسعه نیافتن زیرساخت‌های حمل‌ونقل در صنایع معدنی، مشکلات زیادی برای صنعت فولاد ایجاد کرده است که این مشکلات به‌ویژه در زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی با توجه به استحصال ۵۵ میلیون تن محصولات فولادی طبق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ قابل‌مشاهده است و طبق برآورد کارشناسان، حمل‌ونقل ریلی کشور ۵۰ درصد از برنامه عقب‌تر است.

اختلال در نظم مألوف

امرایی گفت: مشکل تامین آب واحدهای تولیدی و صنعتی از دیگر چالش‌های مهم صنعت فولاد است. این مورد با اجرای طرح خطوط انتقال آب به فلات مرکزی ایران و استان‌های اصفهان، خراسان، یزد و کرمان تا حدودی رفع شده است.

وی افزود: برای توسعه صنعت فولاد نمی‌توان تمام سرمایه‌گذاری‌ها را به جنوب ایران گسیل کرد بلکه باید با تدوین برنامه‌ای کارشناسی شده و مدون بر اساس آمایش سرزمین علاوه بر ایجاد توسعه صنایع فولادی در جنوب کشور، در نقطه مرکزی ایران هم فعالیت‌های تولید صنعت فولاد را رونق داد و راه‌اندازی کرد.

امرایی ادامه داد: اگر تمام برنامه‌های توسعه‌ای فولاد برای جنوب کشور تدوین شود نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی برهم خواهد خورد و ترکیب جمعیتی و حوزه نفوذ جمعیتی توازن خود را از دست خواهد داد.

امرایی تصریح کرد: بر اساس تحلیل بسیاری از کارشناسان باید توسعه فولاد در نزدیکی آب‌های بین‌المللی و جنوبی اتفاق بیفتد اما اگر صنایعی همچون فولاد، پتروشیمی و امثال آن فقط در جنوب ایران مستقر شود، اشتغال به حداقل می‌رسد و مرکز ایران خالی از سکنه خواهد شد.

وی گفت: با طرح انتقال خطوط آب به فلات مرکزی و توسعه صنایع تولیدی و تکمیلی در استان‌های مرکزی، باید به توسعه زیرساختی مثل صنایع حمل‌ونقل، انرژی نیروگاه‌های برق و گاز و توسعه صنایع نسل چهارم توجه ویژه داشت تا برنامه‌های سند چشم‌انداز قابل تحقق شود.



عکس: روزگار معدن

سخن پایانی

کارشناسان علت پدیده تعارض منافع را بوروکراسی بسیار سنگین، پیچیده، زمان‌بر دستگاه‌های اداری و موازی کاری‌های بی‌دلیل و زائد در روند پیگیری مباحث کاری می‌دانند که در بخش معدن هم به‌شدت به چشم می‌خورد.

درنتیجه این فرآیند فرساینده هنوز بسیاری از ظرفیت‌های معدنی کشور به بهره‌برداری نرسیده است تا نقش خود را در رشد و توسعه کشور نشان دهد.

به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که فعالان و کارشناسان حوزه‌های گوناگون به این فهم مشترک دست پیدا کنند که هیچ‌کدام از موارد یاد شده اولویتی بر دیگری ندارند و تنها در سایه همکاری وتقابل می‌توان جلوی آسیب‌های گوناگون اقتصادی اجتماعی و محیط زیستی را گرفت و کشور را در مسیر توسعه قرار داد.

داستان یک تعارض



شهلا عموری دبیر شورای گفت‌وگوی دولت‌وبخش خصوصی خوزستان گفت: تعارض منافع وعدم هماهنگی در صدور مجوزهابین دستگاه‌های اجرایی باعث بروزآسیب به کسب‌وکارهای حوزه معادن شده‌است که باید ازادامه این شرایطی جلوگیری کرد. عموری به شکایت سازمان آب وبرق خوزستان از کارگاه‌های سنگ‌شکن داران رامهرمز با عنوان تصرف عدوانی اشاره کرد وبه ایسنا گفت: طی چهار دهه گذشته فعالان این حوزه، در منطقه رامهرمز نسبت به بهره‌برداری از معادن شن وماسه (رودخانه‌ای) اقدام کرده‌اند. وی ادامه داد: در تمام این مدت فعالیت بهره‌برداران تنها با استناد به پروانه بهره‌برداری ومجوزهای صادره ادامه داشته است تا اینکه برخی از آنها در انعقاد قرارداد با سازمان آب وبرق خوزستان دچار چالش شده‌اند وسازمان آب وبرق خوزستان با توجه به بروز ابهاماتی در زمینه مستندات مربوط به مالکیت اراضی این معادن در شهرستان رامهرمز، تحت عنوان تصرف عدوانی از برخی بهره‌برداران معادن شن وماسه طرح شکایت کرده‌است. عموری تصریح کرد: این شکایت باعث ایجاد چالش ومشکلات متعدد برای کسب‌وکارهای فعال در بخش معادن شهرستان رامهرمز شده‌است. برخی تعارض منافع وعدم هماهنگی در صدور مجوزهابین دستگاه‌های اجرایی باعث بروز آسیب به کسب‌وکارهای حوزه معادن شده‌است وباید از چنین شرایطی جلوگیری شود وتعارض منافع نباید مانع ادامه فعالیت کسب‌وکارهای حوزه معادن شود.

تسهیل فرآیند اجرای امور

دبیر شورای گفت‌وگوی دولت وبخش خصوصی خوزستان باتاکید بر اینکه تشکیل یک کارگروه کارشناسی برای بررسی مجوزهای حوزه معدنی باعضویت دستگاه‌های مربوطه از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری می‌کند، افزود: تشکیل این کارگروه علاوه بر جلوگیری از اختلافات احتمالی وتعارض منافع در حوزه سرمایه‌گذاری بخش معادن، همچنین باعث تسهیل فرآیند انجام امور به منظور صدور مجوز کسب‌وکارها خواهد شد. عموری واگذار نشدن معادن رودخانه‌ای منطقه رامهرمز از طریق مزایده را باعث بروز مشکلات متعددی از این دست دانست وگفت: با هماهنگی‌های انجام‌شده میان اداره کل منابع طبیعی استان وهمچنین سازمان آب وبرق خوزستان، قرار شد تا ظرفیت‌های احتمالی موجود در منطقه مجدد مورد بررسی قرار گیرد. وی با بیان اینکه سازمان آب وبرق خوزستان به منظور تخصیص معادن رودخانه‌ای دیدگاه تعاملی وحمایتی از بخش خصوصی دارد، افزود: این سازمان همچنین برای بررسی تقاضاها جهت تخصیص معادن رودخانه‌ای در بالادست رودخانه علاء در شهرستان رامهرمز اعلام آمادگی کرده‌است.



یادداشت

قافیه را باخته‌ایم



پیمان افضل
استاد دانشگاه و فعال معدنی

مسئله صادرات و واردات و تراز بازرگانی یک کشور به چند عامل مهم بستگی دارد. نخستین عامل این است که آیا یک کشور در راستای انقلاب‌های صنعتی، فناوری خود را به‌روز می‌کند یا خیر یا اگر هنوز به دیگر کشورها نرسیده است، چقدر می‌تواند فاصله خود را با تحولات انقلاب صنعتی کم و کمتر کند و برنامه‌ای برای ارتقای صنایع خود دارد یا خیر.

حال نگاهی بیندازیم به شرایط و وضعیت صنعت کشور ما. امروزه بسیاری از صنایع در ایران قدیمی و از رده خارج هستند و بخش اعظم آنها نوسازی نشده‌اند. این شرایط از جایی به‌وجود آمد که ما از آغاز برای راه‌اندازی کارخانه به‌سراغ تکنولوژی روز نرفتیم و به‌منظور کاهش هزینه‌ها، کارخانه‌های قدیمی و دست دومی را خریداری کردیم که در همان زمان از فناوری چند ده سال قبل از خود استفاده می‌کردند. به‌عنوان نمونه می‌توان به تجهیزات کارخانه آلومینای جاجرم اشاره کرد. بسیاری از کارخانه‌های سیمان ما وقتی به ایران آورده شدند، قدیمی و از رده خارج بودند. این وضعیت امروز هم به‌چشم می‌خورد و در حوزه هوانوردی یا راه‌آهن جز یک مقطع کوتاه بعد از انقلاب، بیشتر هواپیما و قطارهای دست دوم و سوم وارد کشور می‌شود. این اقدام دستاوردی جز مصرف بسیار بالای انرژی، آب، استهلاک زیاد و نرخ تمام‌شده بالا ندارد و به این ترتیب این صنعت نمی‌تواند با صنایع مشابه در کشورهای رقیب که دائم در حال رشد و پیشرفت هستند، هماوردی کند. برای مثال باید مقایسه کرد که ذوب‌آهن اصفهان در حال حاضر به‌ازای هر تن تولید خود، چه مقدار کک مصرف می‌کند و همین مقدار در چین، ترکیه یا هند (که در مسیر تبدیل شدن به دومین فولادساز بزرگ جهان است و میزان تولید خود را به ۵۰۰ میلیون تن رسانده)، چقدر است. این آیتمی مهم و اساسی است که نباید از توجه به آن غفلت کرد. موضوع بسیار مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد، وضعیت روابط خارجی است. هر کشوری باید با تعداد بسیار زیادی از کشورها مراودات بین‌المللی داشته باشد،اما بخش بزرگی از تراز بازرگانی ما شاید با کمتر از ۱۰ کشور باشد. در حال حاضر بخش عمده صادرات ایران به کشورهایی مانند عراق، افغانستان و دیگر کشورهای ضعیف منطقه است و در بازار کشورهای بزرگ جایگاهی نداریم. روابط خارجی تنش‌آلود، به‌ویژه از زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد به بعد، فقط به زیان کشور بوده است. متاسفانه هم‌اکنون ما با کشورهای صاحب فناوری، ارتباط ناچیز و کمرنگی داریم و در نتیجه اگر بخواهیم فناوری‌های نوین را به داخل کشور منتقل کنیم، دچار مشکل می‌شویم. بیشترین حجم تحریم‌ها هم از سوی همین کشورها اعمال شده و رقبای آنها مانند روسیه و چین یا فناوری روزآمدی ندارند که در اختیار کشور ما بگذارند یا خود کپی‌کننده فناوری دیگران هستند و در این زمینه حرفی برای گفتن ندارند و به این ترتیب است که کشور ما امروزه هم برای واردات و صادرات کالا و هم برای بروزرسانی تجهیزات و خدمات خود دچار مشکل شده است. موضوع سومی که باید به آن اشاره کرد، عبارت است از اینکه تراز بازرگانی ما براساس تعداد معدودی محصول است و اقتصاد بدون نفت در عمل در حد شعار باقی مانده است و در حالی که جز نفت می‌توانستیم روی معدن و صنایع معدنی یا دیگر صنایع خود برنامه‌ریزی کنیم، به دلایل چندی از جمله به‌روزنبودن تجهیزات و عقب‌ماندگی از فناوری روز دنیا قافیه را باخته‌ایم. لازم به ذکر است که دولت تا چندی پیش با تخصیص امکانات و ارائه سوبسیدهایی از صنایع حمایت می‌کرد تا روی پای خود بایستند و پیشرفت کنند،برای مثال یارانه زیادی به آب، برق، گاز و سایر حامل‌های انرژی تعلق می‌گرفت، اما دیگر قادر نیست این رویه را ادامه دهد و بنابراین از سال ۸۹ به بعد به‌طور پلکانی آزادسازی قیمت‌ها را شروع کرده است. از سوی دیگر، روند اشتباهی که در پیش گرفته شده تا با افزایش شدید نرخ ارز و ضعیف کردن پول ملی، کمبود بودجه دولت رفع شود، ضربه سنگینی به صنایع وارد آورده است، زیرا از یک سو، خرید مواد اولیه صنایع برپایه دلار است و از سوی دیگر، یارانه‌ای هم برای حامل‌های انرژی وجود ندارد و به این ترتیب نرخ تمام‌شده تولیدات به‌شدت افزایش پیدا کرده است.

مشکلات تحریم، ترابری و بروکراسی هم مزید بر علت شده و در نتیجه مزیت رقابتی از دست رفته و کشتی صادرات به گل نشسته است.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «روزگار معدن» درباره اهمیت آموزش در بخش معدن

آموزش، سرمایه‌گذاری است نه هزینه



عکس: روزگار معدن

گیتا جاودانی

انوشیروان دلیریان، دانش‌آموخته رشته استخراج معدن و فعال و محقق حوزه معدن و صنایع معدنی است.«روزگار معدن» در گفت‌وگو با این فعال معدنی به موضوع آموزش در بخش معدن پرداخته است. وی سخنان خود را بااشاره به مزیت‌های حوزه آموزش در کشور آغاز کرد و گفت: «ما در زمینه فرهنگ‌سازی در بخش معدن امتیاز ویژه‌ای داریم، زیرا این حوزه صنعتی ریشه‌ای تاریخی در کشور ما دارد. علاوه بر این، در زمینه سخت‌افزاری هم امکانات قابل‌توجهی داریم که به‌علت معدن‌خیز بودن، گستردگی و وسعت کشور، تنوع مواد معدنی و ساختارهای زمین شناسی است. از نظر کمیت منابع انسانی هم شرایط قابل‌قبولی داریم که این مجموعه می‌تواند زمینه‌ای برای پیشبرد اهداف و فرآیندهای معدنی و تسریع آموزش معدنکاران و بخش معدن باشد، اما نقطه ضعف هم کم نیست...».

ادامه این گفت‌وگو را بخوانید...

آموزش و اهمیت آن در حوزه معدن چقدر است؟

پیش از بررسی موضوع آموزش در حوزه معدن و چالش‌های مرتبط با آن لازم است، مقدمه‌ای در زمینه اهمیت آموزش گفته شود. اگر بخواهیم تعریفی جامع و کلان داشته باشیم، بدانیم که آموزش بزرگ‌ترین دستاورد بشر برای حفظ بقا و توسعه دستاوردهای خود از روز اول تاکنون بوده است. در دنیای مدرن امروزی این تعریف بسیار گسترده‌تر شده و ابعاد گوناگونی به خود گرفته است، به‌طوری که بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای پیشرفته برای حفظ قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی، فرهنگی و حتی نظامی خود به آموزش منابع انسانی، بیش از پیش توجه و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. روشن است که معدن هم به‌عنوان بخشی از اقتصاد کشور از این امر کلی مستثنا نیست. بدون شک آموزش می‌تواند تاثیر مثبت و فزاینده‌ای روی افزایش بهره‌وری، حفظ امنیت کارکنان، پرسنل و حتی سودآوری و درآمد این بخش داشته باشد.

پس با این مقدمه کوتاه می‌توان به این نتیجه رسید که باید به موضوع آموزش با دید سرمایه‌گذاری نگاه کرد نه هزینه. توجه به آموزش با نگاه سرمایه‌گذاری و تلاش برای هزینه در این بخش یکی از مسائلی است که در کشورهای در حال توسعه کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد. در بخش معدن ما هم، نشانه‌هایی از این طرز تفکر به‌چشم می‌خورد و به آموزش به چشم فعالیتی هزینه‌بر نگاه می‌کنند، نه سرمایه‌ای.

نقاط قوت سیستم آموزشی فعلی ما چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید اول ببینیم یک سیستم آموزشی به چه ارکانی نیاز دارد. به‌عقیده من، آموزش در بخش معدن به ۴ رکن اصلی و اساسی نیاز دارد که عبارتند از: فرهنگ‌سازی، برخورداری از ابزار و ظرفیت‌های موردنیاز برای آموزش، منابع انسانی موجود و دانش روزآمد.

به‌اعتقاد من، باید اول نقاط قوت و ضعف‌مان را در این ۴ رکن بشناسیم و بعد آن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

اگر بخواهیم از بررسی نقاط قوت شروع کنیم؛ مردم ما از نظر فرهنگی با معدن و معدنکاری غریبه نیستند و این یک حسن تاریخی است، البته ممکن است معدنکاری در طول تاریخ دستخوش فراز و فرودهایی شده باشد، اما این فعالیت در کشور ما سابقه‌ای حداقل ۵ هزار ساله دارد.

از معدن فیروزه نیشابور بگیریم تا معدن طالمسی، مسکنی، نخلک در ایران مرکزی و زرشوران در غرب کشور که نمونه‌هایی مانند این بسیار است. پس یکی از ارکان مهم، موضوع فرهنگ‌سازی است که در کشور ما به‌واسطه پیشینه تاریخی وجود دارد و فقط نیاز به پرورش آن احساس می‌شود.

یکی دیگر از بخش‌هایی که باید بر آن تاکید شود، دسترسی به ابزار و امکانات موردنیاز است. به این بخش می‌توان هم به‌عنوان نقطه قوت اشاره کرد و هم به‌عنوان نقطه ضعف، زیرا ما به‌واسطه برخی فرآیندها که به‌شکل ذاتی در کشور وجود دارد، از نقاط قوتی برخوردار هستیم، اما در بخشی دیگر از فرآیندها، مشکلات و نقایصی داریم که می‌تواند نقطه ضعف‌مان به‌شمار بیاید.

باتوجه به اینکه عمده‌ترین بخش آموزشی در حوزه معدن سروکار داشتن با مسائل طبیعی، زمین و ساختارهای آن است، پس می‌توانیم ادعا کنیم در این بخش امتیازات فراوانی داریم، زیرا کشور ما معدن‌خیز است.

ایران در کمربند معدنی جهان قرار گرفته و طبق اعلام سازمان‌های معتبر جهانی جزو یکی از ۵ منطقه معدنی به‌شمار می‌رود و بنابراین مزیت نسبی معدنی شدن دارد. از طرف دیگر، ایران کشوری پهناور است که ساختار زمین‌شناسی و مواد معدنی آن تنوع بسیاری دارد و این موضوع هم نقطه قوتی در امر آموزش تجربی و عملیاتی نیروی انسانی است.

مزیت بعدی ما، برخورداری از نیروی انسانی است. لازم است بدانیم کشور ما در امر پرورش و آموزش نیروی متخصص معدنی قدمتی ۱۷۰ ساله دارد. در سال ۱۲۳۰ و زمانی که امیرکبیر فرمان تاسیس دارالفنون را صادر کرد، رشته معدن‌شناسی یکی از رشته‌های اولیه این مدرسه بود و با ۵ دانش‌آموز کار خود را شروع کرد.

سپس از بدو تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، رشته معدن و زمین‌شناسی که یکی از زمینه‌های تحصیلی دکتر حسابی هم بود، فعالیت خود را با پذیرش دانشجو آغاز کرد.

جلوتر که می‌آییم، از اواخر دهه ۷۰، در زمینه آموزش و پرورش نیروی متخصص معدنی چه در مقطع کاردانی و چه در مقطع کارشناسی، رشد فزاینده‌ای داشتیم و دانشگاه‌های دولتی و آزاد این وظیفه را برعهده گرفته بودند. در دهه‌های بعد این آموزش و پرورش به تحصیلات تکمیلی یعنی کارشناسی ارشد و دکتری هم تسری پیدا کرد، به این ترتیب، ایران در فراوانی منابع انسانی هم دست بالا را دارد.

> آموزش نیروی متخصص معدنی قدمتی ۱۷۰ ساله دارد. در سال ۱۲۳۰ و زمانی که امیرکبیر فرمان تاسیس دارالفنون را صادر کرد، معدن‌شناسی یکی از رشته‌های اولیه این مدرسه بود و با ۵ دانش‌آموز کار خود را شروع کرد

باتوجه به نقاط قوت یادشده، نقاط ضعف این سیستم از نظر شما چیست؟

نقطه ضعف ما در رکن چهارم یعنی پژوهش‌محور نبودن دانش است، البته ممکن است در بعضی موارد امتیازاتی وجود داشته باشد، اما برآیند بخش دانش معدنی کشور ما دچار ضعف و نقصان است.

دانش، اطلاعات کاربردی و سازماندهی‌شده‌ای است که برای حل یک مسئله استفاده می‌شود. نخستین ضعف ما این است که نظام آموزشی ما پژوهش‌محور نیست، یعنی داده‌های کاربردی و سازماندهی‌شده‌ای که ما در اختیار منابع انسانی اعم از متخصص، تکنسین، کارگر و سایر افراد درگیر در این بخش قرار می‌دهیم، در حد نیاز و توقع بخش معدن نیست و خیلی به کار حل مسائل این بخش نمی‌آید. پس این نظام دچار نقص در حوزه پژوهش است و مهارت‌محور و صنعت‌محور هم نیست، یعنی توقعی که بخش صنعت از حوزه آموزش و دانشگاه دارد، در مرحله تربیت نیروی متخصص لحاظ نمی‌شود و از سوی دیگر آن چیزهایی که مراکز آموزشی به دانشجویان ارائه می‌دهند، کاربردی نیست. موضوع بعدی این است که نظام آموزشی ما منسجم و هدفمند نیست و نمی‌دانیم چه دانشی موردنیاز کدام گروه است، یعنی اگر بخواهیم بخش معدن را به معدندار، متخصصان این حوزه، کارگران و مصرف‌کنندگان مواد معدنی تفکیک کنیم، هنوز نمی‌دانیم چه اطلاعاتی برای چه قشری نیاز است و در اصل دانش حوزه معدن را تفکیک و دسته‌بندی نکرده‌ایم.

مورد بعدی این است که نظام آموزشی ما هنوز سنتی است و بیش از ۷۰ سال است که بدون تغییر و بروزرسانی ارائه می‌شود، در حقیقت این دانش باتوجه به پیشرفت و شرایط، روزآمد نشده است. ما در حال گذار از معدنکاری سنتی به معدنکاری نوین هستیم که این شیوه بسیار حساس و شکننده است. اگر درست پیش برویم، به‌طورحتم نتایج آن را در شرایط پیش‌رو خواهیم دید، اما اگر سهل‌انگاری کنیم، آسیبی به‌مراتب بیشتر از معدنکاری سنتی به این بخش وارد خواهد شد، بنابراین این موضوع، هم نقطه ضعف به‌شمار می‌رود و هم نوعی تهدید.

مشکل دیگر سیستم آموزشی ما برمی‌گردد به تحریم‌هایی که کشور ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند و به‌تبع آن، ارتباط رودرروی متخصصان کشورهای صاحب معدن با متخصصان کشور ما قطع شده است. البته باید به این نکته هم اشاره شود که در سال‌های اخیر بسیاری از متخصصان کشور ما که سرمایه ملی به‌شمار می‌رفتند، تن به مهاجرت داده‌اند و از کشور خارج شده‌اند. اما از دل این تهدید، فرصتی هم برای کشور ایجاد شده است، زیرا به‌واسطه جریان آزاد اطلاعات در دنیای امروز، مرزهای فیزیکی و جغرافیایی در عمل از بین رفته‌اند، البته داستان مهاجرت می‌تواند مزیتی نیز برای ما به‌شمار رود. در این صورت، نیروهای متخصص مهاجر می‌توانند با استفاده از روش‌های نوین ارتباطی، محدودیت‌های انتقال دانش را از بین ببرند و کشور را از حالت ایزوله بودن خارج کنند و با این ترفند، تا حدودی این عقب‌ماندگی جبران شود که این فرآیند تا امروز تا حدودی اجرایی شده است. با این همه، محدودیت‌های تحریم تاثیر خود را در زمینه تامین سخت‌افزارهای آموزشی علم نوین معدنکاری نشان داده است. وقتی سخت‌افزارهای مناسب در گرایش‌های اکتشاف، فرآوری و آزمایشگاهی نداشته باشیم، امکان پیشرفت چندانی در زمینه آموزش و پرورش نیروی متخصص نخواهیم داشت. بنابراین نبود ارتباط هدفمند با کشورهای صاحب سبک معدنکاری، یکی از نقاط ضعف جدی سیستم آموزشی حال حاضر ما است.



برنامه‌ریزی آموزشی برای آینده نیازمند توجه به چه ویژگی‌هایی است؟

باید این موضوع را به‌شکل کلان بررسی کرد، زیرا برنامه‌ریزی آموزشی زیرمجموعه‌ای از موضوع «مدل آموزشی» است. به‌عقیده من، در بخش معدن باید پیش از هر کاری یک مدل آموزشی تعریف شود که پاسخگوی موارد زیر باشد: رهبری آموزش و توسعه بخش معدن و صنایع معدنی به‌صورت مشخص برعهده کیست، فرهنگ یادگیری چگونه باید باشد، استراتژی بخش معدن و نهاد مسئول آموزش چیست، فرآیند آموزش و شناسایی نیازها چگونه تعریف می‌شود. از این مرحله به بعد می‌توان برنامه‌ریزی آموزشی انجام داد. مدیریت اجرا و مشخص کردن نهاد مجری و نظارت بر اجرای ارزیابی افراد آموزش‌دیده برعهده چه نهادی است و در نهایت بررسی نتایج عملکردی و کلیدی آموزش و یادگیری چگونه است؟ خلاصه اینکه برای داشتن برنامه‌ریزی آموزشی باید مدل مدونی تعریف شده و براساس پارامترهای آن پیش برویم تا بتوانیم نظام آموزشی کارآمدی داشته باشیم.

آیا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باید دوره‌های مهارت‌آموزی‌بگذرانند؟

گذراندن دوره‌های مهارت‌آموزی جزو لاینفک این رشته است. رشته معدن و فارغ‌التحصیلان این رشته، به‌طبع باید بدانند که معدنکاری و دانش معدنی تخصصی چندوجهی است. بخش مهندسی با داشتن زمینه و پایه ریاضی پرورش داده و زمین‌شناسی و شناخت ساختارهای موجود در زمین با علوم پایه تقویت می‌شود و بخش عملیاتی و اجرایی نیز با علوم تجربی پیش می‌رود. اهمیت مهارت تجربی در معدنکاری آنقدر است که بازه اعمال ضرایب بسیاری از فرمول‌های ریاضی بین ۱۰ تا ۲۰ واحد در نظر گرفته شده و این خود به‌تنهایی نشان‌دهنده نقش و اهمیت تجربه است، بنابراین اگر فردی از نظر دانش و تخصص حتی دایره‌المعارف معدنی هم باشد، از مهارت‌آموزی بی‌نیاز نیست. به‌عبارت دیگر، کسی که نتواند دانش خود را به مرحله اجرا برساند، چیزی جز عالم بی‌عمل نیست.

چه نهادی متولی برگزاری این دوره‌ها است؟

همان‌طور که گفته شد، آموزش‌ها باید به‌طورکامل هدفمند باشد، یعنی باید به‌روشنی دانست که لازم است چه دانشی به چه گروه و دسته‌ای ارائه شود. در بعد کلان، متولی راهبری و سیاست‌گذاری آموزشی معدن وزارت صمت است که از طریق سازمان توسعه و نوسازی (ایمیدرو) این رسالت را به‌انجام می‌رساند، اما اگر دسته‌بندی‌ها را جزئی‌تر کنیم، نهادهای دیگری هم در این زمینه دخیل هستند. در زمینه آموزش و پرورش متخصصان معدنی، این وظیفه برعهده نظام مهندسی معدن است. بخش خصوصی هم با تفکیک معدنداران و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و متخصصان، می‌توانند از طریق خانه معدن ایران یا اتاق بازرگانی مسئولیت فرهنگ‌سازی و آموزش و پرورش نیروها و پرسنل خود را به‌انجام برسانند. ایمیدرو باید گستره عملیات خود را بیشتر کند و همان‌طور که بخش کارگری معادن تحت‌پوشش خود را پشتیبانی می‌کند، باید تشکیلات معدنی بخش خصوصی را هم موردحمایت قرار دهد. یکی از مهم‌ترین اقدامات ایجاد فرهنگ یادگیری و آموزش در بخش خصوصی است. به‌عبارت دیگر، باید هم معدندار و هم پرسنل درگیر در معادن بخش خصوصی ضرورت و اهمیت آموزش را دریابند و بدانند از این طریق می‌توانند هم ارتقای شخصی و هم شغلی پیدا کنند و این نگرش مسموم و آسیب‌زا که آموزش را نوعی هزینه می‌دانند، برطرف شود.

درخشش الماس در اعماق زمین

پژوهشگران در مرز هسته و گوشته زمین، زنگار و الماس پیدا کردند.

به‌گزارش ایرنا، ۹۰ درصد کربن موجود در کره خاکی در هسته زمین دفن شده است. در مرز هسته و گوشته زمین، دما حداقل ۲ برابر گداره و به‌اندازه‌ای زیاد است که آب از مواد معدنی آبدار خارج می‌شود. در نتیجه، ممکن است یک واکنش شیمیایی قیاس‌پذیر با فولاد زنگ‌زده در نزدیکی مرز هسته و گوشته زمین رخ دهد. در وبگاه سای‌تِک‌دیلی (SciTechDaily) به تحقیقاتی اشاره شده است که پژوهشگران دانشگاه ایالتی آریزونا انجام داده‌اند. آنها آب، آلیاژ آهن و کربن را فشرده و گرم کردند تا شرایطی مشابه شرایط مرز هسته و گوشته زمین ایجاد شود و آلیاژ آهن و کربن را ذوب کند. این دانشمندان کشف کردند که آب و فلز واکنش نشان داده و اکسیدهای آهن و هیدروکسیدهای آهن را تشکیل می‌دهند، درست مانند زنگ‌زدگی در سطح زمین. آنها مشاهده کردند که در شرایط مرزی هسته و گوشته زمین، کربن از آلیاژ آهن و فلز مایع جدا می‌شود و الماس را تشکیل می‌دهد.

به‌دلیل اینکه کربن عنصری آهن‌دوست است، به‌نظر می‌رسد که میزان کربن موجود در گوشته زمین بسیار بیشتر از حد انتظار باشد. الماس، شکل پایدار کربن در شرایط فشار و دمای مرز هسته و گوشته زمین است، بنابراین، کربنی که از هسته بیرونی (مایع) زمین خارج می‌شود، وقتی وارد گوشته زمین می‌شود، تبدیل به الماس می‌شود. این تیم پژوهشی قصد دارد، بررسی کند که واکنش چگونه می‌تواند غلظت عناصر سبک دیگر مانند سیلیکون، گوگرد و اکسیژن را در هسته تغییر دهد و چگونه چنین تغییراتی بر کانی‌شناسی گوشته عمیق تاثیر می‌گذارند.

گفت‌وگو

مدیرعامل نمایشگاه اصفهان تاکید کرد:

برگزاری نمایشگاه سنگ، باکیفیت‌تر از تمام دوره‌ها

گروه معدن

هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ، معادن، ماشین‌آلات و صنایع وابسته اصفهان در روزهای ۲۴ تا ۲۷ آبان ماه برگزار شد.



از آنجایی که این استان از جایگاه بسیار مطلوبی در حوزه سنگ برخوردار است، نمایشگاه سنگ آن نیز توانسته جایگاه خود را در جمع رویدادهای مهم صنعت سنگ کشور تثبیت کند و به نظر می‌رسد حتی توانسته به‌عنوان برترین قطب صنعت سنگ در مرکز کشور تبدیل گردد. برای بررسی این مهم ما در «روزگار معدن» با دکتر طحانیان، مدیرعامل نمایشگاه اصفهان به گفت‌وگو پرداختیم.

◉ به نظر می‌رسد با توجه به تغییراتی که در سایت جدید نمایشگاه اصفهان در منطقه روشن دست ایجادشده، شاهد اجرای رویکردهای جدید در برپایی این رویداد مهم در استان هستیم. در این باره توضیحات بفرمایید؟

امسال نمایشگاه سنگ با حضور ۱۵۰ غرفه و صنعتگر این صنعت مهم در کشور برگزار شد. به عبارتی ۷۵۰۰ متر فضای سرپوشیده نمایشگاهی را داریم و ۳۰۰۰ متر فضای باز نمایشگاهی را خواهیم داشت.

این فضای باز نمایشگاهی تجربه جدیدی و بسیار جالب‌توجه است که با استقبال بی‌نظیر هم فعالان سنگ روبه‌رو شده است و هم بازدیدکنندگان، چراکه در گذشته و به غیر از سال ۱۴۰۰ تجربه اجرای این کار وجود نداشت و با توجه به فضای باز نمایشگاه جدید اصفهان انجام این‌کار عملی شده است و ما هم به دنبال توسعه این فضای مفید هستیم.



درواقع بازدیدکنندگان می‌توانند با اندازه، کیفیت و زیبایی کوپ‌های سنگ از نزدیک آشنا شوند و عظمت سنگ را قبل از کارهایی که برای زیباسازی روی آن انجام می‌شود از بینند.

◉ به نظر می‌رسد نمایشگاه سنگ اصفهان در حال تعریف جایگاه خودش است و به دنبال یک برندسازی در این زمینه است؟

بله، با توجه به فعالیت‌هایی که از سال‌های گذشته برای این رویداد نمایشگاهی صورت گرفته به دنبال چنین جایگاهی هستیم. نمایشگاه سنگ اصفهان فقط جایگاهی ایده‌آل برای به نمایش گذاشتن صدها نوع سنگ استخراج شده از معادن مختلف نیست، بلکه این نمایشگاه فرصت دیدن انواع سنگ‌های طبیعی و فرآوری شده را فراهم می‌کند که تزئین‌کننده سازه‌های ساختمانی هستند. این نمایشگاه نه‌تنها به تعیین استراتژی‌هایی برای افزایش صادرات کمک می‌کند بلکه به افزایش آگاهی از این موضوع کمک می‌کند که چگونه می‌توان به نحو مؤثر از سنگ استفاده کرد. نمایشگاه سنگ اصفهان که دربرگیرنده چندین پنل و سمینار است، بی‌تردید بخشی اصلی از دورنمای این صنعت محسوب می‌شود و برگزاری هرکدام از پنل‌ها و سمینارها و نشست‌های هم‌اندیشی هم برای صنعتگران صنعت سنگ مهم خواهد بود و هم برای مدیران که با دغدغه‌های این صنف با اهمیت در کشور بیشتر آشنا شوند.

◉ جایگاه این نمایشگاه در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ اصفهان در استانی برگزار می‌شود که فعال‌ترین استان صنعت سنگ در کشور به شمار می‌رود. نمایشگاه سنگ اصفهان یک جایگاه منحصربه‌فرد برای به نمایش گذاشتن محصولات سنگی تمام شده و نیمه‌تمام و آخرین طرح‌ها و تکنولوژی‌ها در صنعت سنگ را فراهم خواهد کرد. چراکه تمام این پتانسیل‌ها در استان اصفهان فعال هستند و حضور چشم‌گیری هم دارند. استان اصفهان رتبه نخست تولید و فرآوری سنگ کشورمان را به خود اختصاص داده و فعالیت بیش از ۲۳۰معدن سنگ و بیش از ۸۰۰ کارخانه فرآوری، این استان را به بزرگترین تولیدکننده سنگ‌های تزئینی کشور تبدیل کرده است. بنابراین در نمایشگاه بخشی از این توانایی بی‌بدیل را به نمایش می‌گذاریم.

◉ درباره ویژگی‌های نمایشگاه و رویدادهایی به این شکل دیدگاه شما چیست. آیا نمایشگاه سنگ را منحصربه فعالان این صنف می‌دانید یا افق گسترده‌تری را دنبال می‌کنید؟

این نمایشگاه یک رویداد چندوجهی است که به طراحان، معماران و دیگر تصمیم‌گیرندگان، و نیز تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان دسترسی بی‌مانندی می‌دهد که شامل نمایش زنده، فرصت‌هایی برای ایجاد ارتباط با دیگران، کنفرانس جامع و برنامه سمینار می‌شود. نمایشگاه سنگ اصفهان به شما امکان دسترسی به مشتریان بالقوه مورد نظر و سهامدارانی که به این صنعت مربوط می‌شوند را فراهم می‌کند. ایجاد روابط با مشتریان بالقوه و شناخته‌تر شدن در کشور برای شرکت‌های حاضر در این نمایشگاه بسیار مفید خواهد بود. این نمایشگاه رویدادی خاص و دیدنی از محصولات برگزیده در زمینه تکنولوژی سنگ به شمار می‌رود که کارشناسان را درزمینه سنگ‌های طبیعی و فراوری شده، به‌روز می‌سازد. نمایشگاه سنگ اصفهان، به عنوان معتبرترین نمایشگاه تجاری سنگ در ایران، ارتقا و پیشرفت شرکت‌هایی که تولید فناوری برای این صنعت را انجام می‌دهند یا ایمنی و امنیت بهتر برای کارکنان‌شان را فراهم می‌سازند را هدف خود قرار داده است.

◉ به عنوان آخرین سؤال؛ هدف شما از برپایی این رویداد صنعتی در استان اصفهان که به عنوان معدن سنگ ایران شناخته می‌شود چیست؟

یکی از اصلی ترین اهداف این نمایشگاه آن است که محصولات، تجهیزات و فناوری‌های جدید را به نمایش بگذارد و فرصتی برای تجارت فراهم کند. کمک به توسعه روابط در دنیای صنعت سنگ و تلاش برای ارتقای وضعیت صنعت سنگ و افزایش حجم تجارت سنگ در سطح ملی از دیگر اهداف پیش‌بینی شده برای این نمایشگاه است. این نمایشگاه از آنجا به عنوان معتبرترین نمایشگاه سنگ ایران تبدیل شده که از یکسو، منابع فراوان این صنعت در استان اصفهان و استان‌های هم‌جوار موجب توسعه و رشد نمایشگاه سنگ شده و از سوی دیگر خود نمایشگاه هرساله به شکلی موفقیت‌آمیز برگزار شده که این عامل نیز امکان بهره‌برداری، فراگیری آخرین فناوری‌های این صنعت از بازار را برای شرکت‌های محلی فراهم کرده است.

رتبه سوم استان سمنان در احیاء صنایع

۶۴ واحد از رکود خارج شد

استاندار سمنان با بیان اینکه در دولت سیزدهم ۶۴ واحد صنعتی راکد استان به چرخه تولید بازگشته است، گفت: در این شاخص رتبه سوم کشوری را به خود اختصاص داده‌ایم.

سید محمدرضا هاشمی در گفت‌وگو با مهر، ضمن اشاره به اقدامات شاخص دولت سیزدهم در راستای ارتقای تولید و اشتغال، بیان کرد: در این دولت ۶۴ واحد ۱۰۰درصد راکد استان سمنان به تولید بازگشته است که در این شاخص سمنان بعد از تهران و کرمانشاه رتبه سوم کشور را به دست آورده است. وی با بیان اینکه در مجموع ۱۸۹ واحد صنعتی راکد در کل استان سمنان در بدو روی‌کارآمدن دولت سیزدهم شناسایی شد، تاکید کرد: احیای بیش از ۳۰ درصد در این مدت سبب شده تا اشتغال قابل‌توجهی در استان تثبیت شود.

▣ رفع موانع تولید

استاندار سمنان با بیان اینکه برخی واحدهای راکد مشکلات نقدینگی داشتند که با تسهیلات و تغییر سرمایه‌گذار و... حل شد، بیان کرد: برخی دیگر درگیر مسائل حقوقی بودند. این موضوع نیز باعث شده بود تا واحدهای تولیدی راکد شوند همچنین مسائل فنی و مدیریتی، بازار فروش، ماشین‌آلات فرسوده و... از دیگر علل رکود واحدهای صنعتی محسوب می‌شد که با تلاش‌های صورت گرفته بخشی از این واحدها به تولید بازگشتند.

هاشمی با بیان اینکه استان تهران با خروج ۳۷ درصد صنایع راکد صنعتی از رکود رتبه اول کشور را در این بخش دارد و سمنان بعد از کرمانشاه در جایگاه سوم قرار دارد، گفت: بعد از سمنان همچنین خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان و... قرار دارند.

وی با بیان اینکه تسهیلات ماده ۱۸ قانون اشتغال و تولید، تسهیلات سفر رئیس‌جمهور، در کنار سرمایه در گردش، ماده ۱۶ در زمره منابعی است که توانسته بخش خوبی از نیاز واحدهای راکد را تأمین کند، گفت: روند خروج واحدهای صنعتی و تولید از رکود در استان ادامه داشته و تا پایان سال این آمار افزایش هم خواهد یافت.

خبر

رکوردشکنی پی‌درپی صنعت پتروشیمی در صادرات



آمار ۷ماه نخست صادرات محصولات پتروشیمی امسال در قیاس با سال گذشته حکایت از رشد ۱۳درصدی دارد، رشدی که تا ماه هشتم نیز ادامه داشته و وزیر نفت از آن به عنوان ثبت رکورد یاد می کند.

به گزارش ایسنا، در ۷ ماه نخست سال گذشته ۱۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تن صادرات در حوزه محصولات پتروشیمی صورت گرفت که امسال این عدد به ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسید، همچنین ارزآوری صنعت پتروشیمی نیز از ۸میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به ۱۰.۸ میلیارد دلار رسیده و ۳۰ درصد رشد داشته است.

سهم پتروشیمی‌ها از صادرات غیرنفتی در ۶ماه نخست امسال ۳۹.۶ درصد بوده و این درحالی است که تنها ۶.۹۵۰ میلیارد دلار از ۲۱.۴ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در ۶ ماه نخست پارسال متعلق به پتروشیمی‌ها بوده است و امسال ۹.۶۰۵میلیارد دلار از ۲۴.۲۵۱ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی به این صنعت تعلق دارد.

همچنین تولید صنعت پتروشیمی در ۷ ماه نخست پارسال ۳۸ میلیون و ۶۶۰ میلیون تن بوده که امسال در همین بازه به ۴۱ میلیون تن و ۵۵۰ هزار تن با ۷ درصد افزایش رسیده است و پیش‌بینی می‌شود پتروشیمی‌ها امسال حدود ۱۵میلیارد دلار ارز به سامانه نیما عرضه کنند و حدود ۱۷ تا ۱۷.۵ میلیارد دلار صادرات داشته باشند. علاوه‌بر این در ۷ماه نخست امسال ۷.۹۱میلیارد دلار ارز پتروشیمی‌ها به سامانه نیما تزریق شد امسال در این بازه زمانی بیش از ۸.۷۳میلیارد دلار، ۲۳ درصد بیشتر از پارسال به سامانه نیما ارز عرضه شده است. که این رقم تا ۲۲آبان‌ماه امسال به ۹.۶۰۴ میلیارد دلار رسیده است.

▣ ثبت بالاترین رکورد صادرات محصولات پتروشیمی

جواد اوجی، وزیر نفت نیز به تازگی از ثبت بالاترین رکورد صادرات نفت خام، میعانات گازی و محصولات پتروشیمی ایران در آبان‌ماه امسال خبرداد و گفت: این بالاترین رکورد از سال ۱۳۹۷ (شروع تحریم‌های ظالمانه ترامپ علیه ایران) تاکنون است.

مرتضی شاهمیرزایی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز در همین رابطه اخیرا ارزش محصولات پتروشیمی را ۲۳ میلیارد دلار در سال گذشته اعلام کرد و گفت: از این مقدار ۱۵میلیارد دلار صادر شد که ۲.۵میلیارد آن صرف خرید بخشی از کالا و تجهیزات و محصولاتی شد که هنوز در داخل تولید نمی‌شوند و ۱۲.۷ میلیارد دلار آن به سامانه نیما عرضه شد.

وی به تأمین ۷۰ درصد کالا و تجهیزات صنعت پتروشیمی از داخل اشاره کرد و افزود: سیاست ما تکمیل زنجیره ارزش و تأمین همه کالاهای مورد نیاز در داخل کشور بوده که در این مسیر نیاز به حمایت است. وی با بیان اینکه ظرفیت نصب شده صنعت پتروشیمی در ابتدای انقلاب اسلامی ۳ میلیون تن بود که هم‌اکنون این مقدار به سالانه ۹۰میلیون تن رسیده است، اظهار کرد: در دنیا به طور تقریبی هر ۲۰ سال صنعت پتروشیمی ۲برابر می‌شود درحالی که براساس برنامه‌ریزی انجام شده صنعت پتروشیمی ایران تا ۱۰ تا ۱۲سال آینده به همت متخصصان کشور به حدود ۲۰۰میلیون تن در سال می‌رسد یعنی هر ۱۰سال در ایران این صنعت ۲ برابر می‌شود. در حال حاضر بیش از ۵۴۰ گرید انواع محصولات شیمیایی و پتروشیمیایی در کشور تولید می‌شود و ۱۱۰ طرح بزرگ و کوچک پتروشیمی در حال فعالیت است که برنامه‌ریزی انجام شده برای تکمیل زنجیره ارزش ۲۱ تا ۲۲ محصول راهبردی پتروشیمی در کشور تولید خواهد شد. صنعت پتروشیمی ایران در اوج تحریم‌ها بیش از ۵۴ میلیارد دلار برای کشور ارزآوری داشته و به‌طور میانگین سالانه ۸۰درصد درآمد صادراتی این صنعت از طریق سامانه نیما به چرخه اقتصاد کشور بازگشته است.



روزگار معدن

دوشنبه ● ۷ آذر ۱۴۰۱ ● ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۲۸ نوامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۶۹

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل
مدیر مسئول و سردبیر: ناصر بزرگمهر
فنی و هنری: مهدی نجفی
نمایندگی دفتر اروپا: چکاوک بزرگمهر

آدرس: تهران- میدان هفتم تیر- خیابان قائم مقام فراهانی- پلاک ۷۴
تلفن: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - تلفن همراه: ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱ -نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰
پیامک: ۳۰۰۸۲۱۹۰ - ایمیل سازمان آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵

چاپ: هنر سرزمین سبز

www.Madandaily.com
www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

یادداشت

خصوصی‌سازی امنیت شغلی را کم کرد



حسین حبیبی
فعال کارگری

در سال‌های اخیر شاهد گسترش قراردادهای کاری موقت و کوتاه‌مدت بوده‌ایم. گویا کاهش امنیت شغلی کارگران در یک روند برنامه‌ریزی‌شده از سوی سرمایه‌داران دنبال می‌شود. صاحبان قدرت و ثروت، کارگرانی با حقوق کم و بی‌اطلاع یا بی‌تفاوت نسبت به ضوابط و شرایط کار می‌خواهند و درخواستی برای بهبود شرایط کار ندارند. نوسان در قراردادهای کاری، محرک اصلی برای تامین خواسته سرمایه‌داران و کارفرمایان است که در عمل، امنیت شغلی کارگران را در سایه قرار می‌دهد.

قانون کار در سال ۱۳۶۹ توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شد. انتقاداتی به قانون کار تصویب‌شده مطرح است و ابهاماتی هم در آن موجود است، با این حال نقاط قوت فراوانی نیز در آن وجود دارد.

در همان سال‌های نخست پس از تصویب نهایی قانون کار، بسیاری از جناح‌های سیاسی اقدام به مخالفت با آن کردند، گویی تمامی جناح‌های سیاسی در مخالفت با قانون کار، اتفاق‌نظر داشتند.

سال ۱۳۷۲ بخشنامه ۳۵۷۲۳ توسط وزارت کار وقت صادر شد و در آن به استعلام تعدادی از شرکت‌های خصوصی که پرسیده بودند آیا قراردادهای موقت در صورت تمدید، دائمی تلقی می‌شود یا خیر، پاسخ داده شد که «این قراردادها در صورت تمدید، کماکان موقت هستند». به‌دنبال آن، اعتراضات و شکایاتی به دیوان عدالت شد که دیوان در سال ۱۳۷۵، دادنامه ۱۷۹ را صادر کرد.

در این دادنامه، نظر وزارت کار در سال ۱۳۷۲ تایید شد. مستفاد از مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار، چنانچه قرارداد چندین بار تکرار شود، دال بر دائمی شدن آن نخواهد بود. در تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار چنین آمده است: «در کارهایی که طبع آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود». این تبصره ابهاماتی دارد و کارفرمایان یا سرمایه‌داران از این ابهام، سوءاستفاده کرده‌اند.

به‌اعتقاد فعالان کارگری، کارگر باید در فرآیند عقد قرارداد، حاکمیت و اراده داشته باشد، یعنی مدت زمان عقد قرارداد را تعیین کند، اما متاسفانه در بخشنامه مطرح‌شده از سوی وزارت کار در سال ۱۳۷۲ و به‌دنبال آن، رای دیوان عدالت اداری، در عمل حاکمیت و اراده کارگران سلب شده است. در ادامه، شاهد افزایش تعداد قراردادهای موقت کاری بودیم، تا جایی که در حال حاضر حدود ۹۵ درصد قراردادهای کاری ما موقت هستند.

در چنین شرایطی، امنیت شغلی کارگران به‌واسطه قراردادهای کوتاه‌مدت زیر سوال می‌رود. عقد قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت، امنیت شغلی کارگران را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد، اما چالش‌های قراردادهای کوتاه‌مدت به همین جا ختم نمی‌شود و حتی به از دست رفتن امکانات تشکل‌یابی کارگران نیز منتهی می‌شود. کارگری که قرارداد موقت چند ماهه یا حداکثر یک ساله دارد، به‌واسطه نداشتن مدت کار تاثیرگذار، نمی‌تواند داوطلب عضویت در تشکل کارگری شود یا اگر هم کاندیدا شود و رای بیاورد، با اتمام قرارداد کاری، در عمل کنار گذاشته می‌شود.

در ادامه تاکید می‌شود که توسعه فرآیند خصوصی‌سازی در کشور تاثیر بسزایی بر از میان رفتن امنیت شغلی کارگران داشته است. در اصل ۴۴ قانون اساسی تاکید شده: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این ۳ بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، موردحمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر ۳ بخش را قانون معین می‌کند»؛ بنابراین، این اصل شامل ترغیب به خصوصی‌سازی نیست. متاسفانه فرآیند غلط خصوصی‌سازی در سال‌های گذشته به گسترش رانت و فساد در کشور منتهی شده است.

علاوه بر این، تاثیر خصوصی‌سازی بر از میان رفتن امنیت شغلی کارگران، روشن و مبرهن است، این سیاست حتی به از میان رفتن فرصت‌های شغلی در کشور هم منتهی شده و براساس اصول خصوصی‌سازی انتظار می‌رود پس از آنکه یک واحد به بخش خصوصی واگذار شد، تا ۵ سال کارگران خود را تعدیل نکند، اما در بیشتر موارد پس از واگذاری یک صنعت به بخش خصوصی، آن بخش به‌سرعت اقدام به تعدیل یا اخراج نیروی کار خود می‌کند، یعنی روند درست و سالمی بر این فضا حاکم نبوده و همین موضوع در عمل امنیت شغلی کارگران را تحت‌تاثیر منفی قرار داده است.

در گزارش «روزگار معدن» راهکارهای جدید تامین ماشین‌آلات معدنی بررسی شد

کمبودی به ابعاد چندین سال

گیتا جاودانی

به گواهی گزارش‌های متعدد صفحه معدن روزنامه «روزگار معدن»، کارشناسان و فعالان این حوزه، به‌اتفاق مشکل تامین ماشین‌آلات را در صدر لیست چالش‌های این حوزه می‌دانند و می‌گویند هنوز اقدامات دولت در یک سال گذشته در زمینه تامین ماشین‌آلات به نتیجه مطلوب نرسیده است. گفته می‌شود در حال حاضر تنها در معادن کوچک‌مقیاس، حدود ۱۵۰۰۰ دستگاه ماشین‌آلات معدنی اعم از لودر، شاول (بیل مکانیکی) و بولدوزر و دیگر ماشین‌آلات ویژه معدن نیاز است. اگر قرار باشد باتوجه به برنامه دولت و ظرفیت‌های ایجادشده در صنایع پایین‌دستی، ظرفیت تولید معدن به ۷۰۰ میلیون تن در سال ۱۴۰۴ برسد، حداقل باید ۲۵۰۰۰ دستگاه تامین شود.

به‌عبارت ساده‌تر، اگر ۶۰۰۰ معدن فعال بخواهند ظرفیت خود را تنها ۵۰۰۰ تن در سال افزایش دهند، به ۶۰۰۰ دستگاه لودر متوسط نیاز است. با این حساب، روشن است که هم‌اکنون در داخل کشور، ظرفیت و زیرساخت لازم برای تامین این میزان از ماشین‌آلات وجود ندارد و باید به‌ناچار بخشی از نیاز داخل از طریق واردات تامین شود. با این مقدمه، خبر حل مشکل تامین ماشین‌آلات معدنی که از سوی رضا محتشمی‌پور، معاون معدنی وزارت صمت و محمدرضا بهرامن، رئیس خانه معدن مطرح شد، شگفت‌آور بود. «روزگار معدن» برای روشن شدن چگونگی حل مشکل با رضا محتشمی‌پور، معاون معدن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت و محمدرضا بهرامن، رئیس خانه معدن گفت‌وگو کرده است.



عکس: روزگار معدن

شکستن سکوت

رضا محتشمی‌پور، متولد ۱۳۵۳ در مشهد، دانش‌آموخته مهندسی صنایع از دانشگاه امیرکبیر و کارشناسی‌ارشد اقتصاد از دانشگاه علامه‌طباطبایی است. او پیش از نشستن بر صندلی معاونت معدن و صنایع معدنی وزارت صمت، قائم‌مقام بورس کالای ایران بود و از نیمه پاییز سال گذشته با حکم سیدرضا فاطمی‌امین، وزیر صمت به‌عنوان معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارتخانه منصوب شد.

اما اقدامات وی در این مدت همواره با انتقاداتی همراه بوده است که هرگز پاسخ مستقیمی دریافت نکرده است.

از وی پرسیدیم چرا نسبت به انتقاداتی که به عملکرد وی در مقام معاون معدنی وزارت صمت وارد می‌شود، سکوت کرده است؟ وی در پاسخ گفت: به انتقادات کلی نمی‌توانم پاسخ دقیقی بدهم، اما اگر انتقاد مشخصی مطرح است، بپرسید تا به‌طور مشخص به آنها پاسخ دهم، بنابراین پرسش‌های ما از معاون معدنی بااشاره به موضوع قوانین ضدونقیض آغاز شد.

قوانین ضد و نقیض و تغییر دستورالعمل‌ها

در این باره، به‌طوردقیق عکس آنچه در قالب انتقاد گفته می‌شود، اتفاق افتاده است. بخشنامه جامع معدنی برای نخستین‌بار در این دوره تنظیم و ابلاغ شد. تجمع و تمرکز قواعد و دستورالعمل‌های مختلف و متعدد در قالب یک بخشنامه جامع بازخورد بسیار خوبی در جامعه معدنی داشته و تا حد زیادی به وضعیت آشفته قبلی، سروسامان داده است.

▣ تصویب عوارض صادراتی و لغو آن

عوارض صادراتی جزو مصوبات ستاد تنظیم بازار بود و به‌طبع علت وضع و لغو آن را باید از این مجموعه پرسید. من نمی‌توانم درباره دلایل اخذ تصمیمات این ستاد نظر بدهم، البته ما به‌عنوان متولی بخش معدن نقطه‌نظرات خود را در جلسات مشترک مطرح می‌کنیم، اما در نهایت مصوبات این ستاد به ما ابلاغ می‌شود و ما موظف به اجرای آن هستیم.

▣ مسئله بغرنج تامین ماشین‌آلات

یکی از موضوعاتی که مدام درباره آن صحبت می‌شود، موضوع ماشین‌آلات است. واقعیت این است که ما در سال‌های گذشته وضعیت مناسبی برای دسترسی به ماشین‌آلات موردنیاز در بخش معدن نداشتیم و محدودیت‌هایی وجود داشت که باعث کندی حرکت در راستای تامین ماشین‌آلات بخش معدن شده بود. هرچند این مسیر طولانی بود و فراز و نشیب‌های متعددی داشت، اما در چند ماه گذشته، ضوابط و مقررات به‌طورکامل عوض شد. امروز کمابیش هیچ محدودیتی برای واردات ماشین‌آلات سنگین که فاقد سابقه ساخت داخل و زیر ۵ سال هستند، نداریم.

▣ سردرگمی معدنکاران

البته همچنان در این زمینه پرسش‌های متعددی مطرح است و به‌نظر می‌رسد که بخش معدن هنوز نتوانسته راهکارهای تامین نیاز خود را پیدا کند. برای تامین ماشین‌آلات، تسهیلاتی در نظر گرفته و توافقاتی با صندوق ضمانت فعالیت‌های معدنی انجام شده است. این موضوع از این جهت است که عمده معادن کوچک ما دنبال تامین ماشین‌آلات سبک‌تر هستند و نیازشان به این حوزه بیشتر است. از این پس، معدنکاران می‌توانند با مراجعه به این مجموعه از ظرفیت آن برای تامین ماشین‌آلات داخلی و به موازات آن وارد کردن ماشین‌آلات در این کلاس استفاده کنند. محدودیتی هم برای مبدأ تامین ماشین‌آلات وجود ندارد و معدنکاران بسته به نیاز خود می‌توانند آن را از نقاط مختلف دنیا تهیه کنند. در حال حاضر شرایط با ماه‌های گذشته متفاوت است و نرخ آنها هم تغییر محسوسی داشته و شاهد این مدعا آمار و اطلاعات سایت خانه‌معدن است.

حرکتی رو به جلو و قابل تقدیر



محمدرضا بهرامن ـ رئیس خانه معدن ایران: خانه معدن همواره موضوع ماشین‌آلات را با تعصب خاصی دنبال کرد، زیرا مشکل بسیار بزرگی بود و اسباب نگرانی همه معدنکاران را فراهم کرد، باتوجه به اینکه معدنکاران بزرگ از شرایط اقتصادی بهتری برخوردار بودند، به هر حال توانستند ماشین‌آلات موردنیاز را برای پیمانکاران خود تهیه کنند، اما معدنکاران کوچک بسیار آسیب دیدند، زیرا نرخ تمام شدن تولیدات‌شان به‌شدت افزایش پیدا کرده و به این ترتیب، مزیت رقابتی خود در بازارها را از دست داده بودند.

از ۲ سال قبل، توقف شدیدی روی ورود ماشین‌آلات داشتیم و این موضوع حتی به خریداران ماشین‌آلات داخلی هم صدمه می‌زد، زیرا نرخ تولیدات داخلی را به‌شدت افزایش داده بود و حتی بی‌اغراق دستگاه‌های کارکرده با چند برابر نرخ واقعی به‌فروش می‌رفتند.

خوشبختانه همان‌طور که اعلام شد، این مشکل امروزه مرتفع شده است.

امروزه ماشین‌آلات به کشور وارد می‌شود و معدنکاران با سهولت بیشتری می‌توانند دستگاه‌های موردنیاز خود را تامین کنند. هر معدنکاری می‌تواند نسبت به میزان فعالیت خود، وسایل و دستگاه‌های موردنیاز خود را تهیه کند.

▣ چه تغییری رخ داده؟

تغییری که ایجاد شده تا این مشکل را از پیش‌پای معدنکاران بردارد، این است که صندوق بیمه برای تامین منابع مالی در کنار معدنکاران قرار گرفته است.

معاونت معدنی و ایمیدرو، صندوق بیمه را موردحمایت قرار داده‌اند تا امروز بتواند پاسخگوی نیاز بخش بزرگی از معادن کوچک‌مقیاس باشد.

این اتفاق از ۶ یا ۷ ماه گذشته آغاز شده و امروزه شرایط برای حل این مشکل به‌مراتب راحت‌تر شده است و امروز اگر معدنکاری نیاز به ماشین‌آلات داشته باشد، می‌تواند از طرق مختلف برای رفع نیاز خود اقدام کند.

▣ جای نمایندگی‌ها خالی است

البته طبیعی است که معدنکاران هنوز با این مشکل دست به گریبان باشند، زیرا ما با کمبود بسیار زیادی روبه‌رو بوده‌ایم و این خلأ تا چندین سال بعد پر نخواهد شد. البته امیدواریم که به‌زودی شرایطی مهیا شود تا باز نمایندگی‌های معتبر همکاری خود را با کشورمان از سر گیرند، زیرا در این صورت است که اطمینان بیشتری نسبت به کیفیت ماشین‌آلات داشته باشیم و از سوی دیگر در بازار رقابتی که ایجاد می‌شود، پیشنهادات قیمتی مناسب‌تر و گارانتی و خدمات پس از فروش هم ارائه خواهد شد.

▣ خیانت در امانت

بخواهیم یا نخواهیم بخش معدن باید رشد پیدا کند و تمام مشکلات ما در معدن، در موضوع تامین ماشین‌آلات خلاصه نمی‌شود. هیچ توسعه‌ای بدون برنامه‌ریزی اتفاق نخواهد افتاد، بنابراین باید متولیان و دست‌اندرکاران بخش معدن اعم از دولتی و بخش خصوصی پا به پای دنیا پیش بروند و خود را روزآمد کنند تا بر این اساس، برنامه حرکت تنظیم شود. اگر متوسط رشد را برای دیگر بخش‌های اقتصادی ۸ درصد در نظر گرفته شده است، بخش معدن باید رشدی معادل ۱۲ درصد داشته باشد. این حوزه تامین‌کننده ماده اولیه بسیاری از صنایع دیگر است،بنابراین باید هم و غم خود را صرف این کنیم که همه زیرساخت‌های معدن فراهم شود. بنابراین باید متولی بخش معدن ما هم به‌روز باشد. اگر ما ادعا کنیم که ما روزآمد هستیم؛ خیانت در امانت کرده‌ایم.

▣ روزآمد شدن بخش معدن

در بخش معدن نیازمند دگرگونی اساسی هستیم، اما متاسفانه متولی بخش معدن کشور به‌دلیل بروکراسی‌های سنگین اداری نمی‌تواند توان فنی خود را به‌روز کند. برای به‌روز شدن بخش معدن باید زمینه حضور در نمایشگاه‌ها و رویدادهای معدنی دنیا فراهم شود. نخستین قدم برای این دگرگونی این است که باید نگاه مدیران، سیاست‌گذاران و متولیان بخش معدن را به این حوزه تغییر دهیم، دانش آنها باید روزآمد شود و از آخرین اطلاعات و تحولات دنیا باخبر باشند.

▣ هزینه‌تراشی یا سرمایه‌گذاری؟

متاسفانه ما در این زمینه خلأ بزرگی در کشور داریم. تصور سنتی در این بخش این است که چنین اقداماتی هزینه‌تراشی است، در صورتی که باید آن را به‌چشم سرمایه‌گذاری دید.

بخش خصوصی می‌تواند خود را به‌روز کند، اما وقتی قرار است خواسته‌ها و نیازهای خود را به سیاست‌گذاران منتقل کنند، به‌دلیل اختلاف دیدگاه، به نتیجه مشترکی نمی‌رسند. این خلأ موجب می‌شود درک مشترکی از مسائل و مشکلات وجود نداشته باشد.

به‌عنوان مثال، در نظر بگیرید وقتی صحبت از برنامه‌ریزی جدیدی در زمینه اکتشاف به‌میان می‌آید یا تهیه نوع خاصی از ماشین‌آلات یا اقدامات موردنیاز برای هوشمندسازی و امثال این موضوعات؛ قبول تغییرات برای متولیان امر دشوار است و به‌راحتی نمی‌توان برای این تغییرات بستر مناسب را ایجاد کرد، اما اگر در جریان اطلاعات جدید قرار گیرند، فهم مشترکی ایجاد می‌شود و به این ترتیب می‌توان برنامه‌هایی پیشرو برای رشد و توسعه این حوزه طراحی و ابزار موردنیاز آن را تامین کرد. هر زمان که توسعه‌ای در بخش معدن اتفاق افتاده است، از این طریق و به این ترتیب بوده است و از این جهت است که آنچه از دید ما سرمایه‌گذاری واقعی در بخش معدن به‌شمار می‌رود،از نگاه مسئولان دولتی، این سرمایه‌گذاری هزینه است.

به‌گمان من، متولی بخش معدن امروزه باید برای دستیابی به اطلاعات روز، جهشی رو به جلو داشته باشد. به این منظور، باید در تمام کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت کنند و از نزدیک شاهد تغییرات این حوزه باشند.

سخن پایانی

ظرف سال‌های اخیر که ایران دوران سخت تحریم را تجربه می‌کند، معدن و صنایع وابسته، ظرفیت تحریم‌گریزی و قدرت مانور خود را در شرایط فشار اقتصادی به‌نمایش درآورد تا جایی که شایستگی خود را برای تکیه زدن بر جایگاه نفت نشان داد تا با تکیه بر ظرفیت‌های بالقوه این حوزه در گردش چرخ‌های اقتصادی کشور، رشد تولید ناخالص داخلی، ارزآوری و افزایش اشتغالزایی نقشی مهم ایفا کند، در عین حال، توسعه بخش معدن و صنایع معدنی در سال‌های گذشته و رسیدن به بلوغ نسبی باعث شد تا حتی در دوران شیوع کرونا نیز بخش معدن و صنایع معدنی کشور کمترین آسیب را از این بحران ببیند و نقشی مهم در حفظ اشتغالزایی، رشد تولید داخلی و تامین بازار داخلی و صادراتی داشته باشد. براین اساس روشن است که بخش معدن نیازمند روزآمد شدن و تغییر و تحول اساسی است، اما به‌نظر نمی‌رسد که این تحول تنها از طریق شرکت مدیران در نمایشگاه‌ها یا رویدادهای خارجی ایجاد شود.

بهره‌برداری از واحد کنسانتره آهن سرگز جیرفت

واحد کنسانتره آهن سرگز واقع در بخش اسفندقه شهرستان جیرفت با ظرفیت سالانه ۱۰۰ هزار تن روز دوشنبه با حضور استاندار کرمان به بهره‌برداری رسید.

به گزارش ایرنا، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان در مراسم افتتاح این واحد گفت: هزینه سرمایه‌گذاری طرح و فعال‌سازی معدن ۵۰ میلیارد تومان بوده است که ۳۰ نفر به صورت مستقیم و ۱۰۰ نفر به صورت غیرمستقیم مشغول به‌کار شده‌اند.

مسلم مروجی افزود: در برنامه ششم توسعه اسفندقه در تخصیص آب صنعتی صفر در نظر گرفته شده است و پیگیری می‌کنیم که در برنامه هفتم تخصیص آب صنعتی داشته باشد زیرا این مسئله سرمایه‌گذاری را در منطقه دچار مشکل کرده است.

وی با بیان اینکه سنگ‌آهن و منگنز عیار پایینی دارد و به صرفه نبود که به استان‌های دیگر برود ادامه داد: در بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت کارخانه لازم راه‌اندازی شده و معادن هم فعال شده و بعد از تامین برق، خروج محصولات معدنی ممنوع می‌شود.

مروجی اضافه کرد: کارخانه کنسانتره سرگز اسفندقه چون سهمیه آب صنعتی ندارد با ظرفیت کمتری فعالیت می‌کند. وی یادآور شد: هزینه سرمایه‌گذاری در جنوب کرمان بالاست؛ وقتی ارزیابی محیط‌زیست یکسال طول می‌کشد هزینه‌ها را بالا می‌برد بنابراین پیشنهاد می‌کنیم روند ارزیابی زیست‌محیطی همزمان با نصب دستگاه‌ها انجام شود. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان با اشاره به اینکه معادن چند روز از هر ماه به دلیل کمبود سوخت تعطیل می‌شود گفت: با وجود هماهنگی‌های قبلی صورت گرفته مبنی‌بر اختصاص سوخت براساس تشخیص کارشناس اما هر میزانی که کارشناس صنعت، معدن و تجارت تعیین می‌کند شرکت توزیع فرآورده‌های نفتی از آن کم می‌کند.

استاندار کرمان در سفر خود به جنوب کرمان همچنین قطعه‌ای از جاده این منطقه حدود ۴کیلومتر از مسیر اسفندقه به کنارویه را افتتاح کرد.۱۷ کیلومتر از این مسیر راه‌اندازی شده و ۵کیلومتر نیز در دست اقدام است.

